

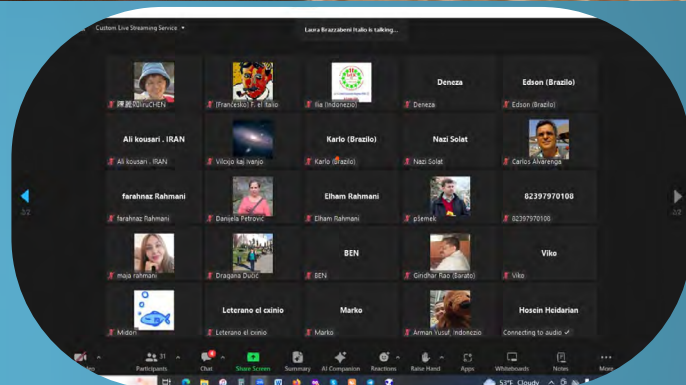
IRANA ESPERANTISTO

IREA
Irana Esperanto-Asocio

Kultura sezon-revujo en Esperanto, la persa, la araba kaj la kurda
N-ro: 49, Dua Serio, Printempo 2024

پاڻيزان

فصلنامه ی فرهنگی چندزبانه اسپرانتو، فارسی، کردی و عربی
شماره ۴۹، دوره دوم، بهار ۱۴۰۳



IrEK-11

(La 11-a Irana Esperanto-Kongreso)

4 tagoj,
30 programeroj,
108 aliĝintoj,
28 landoj



مخالفت شديد ديپلمات

ايرلندی با سلطه زبان

انگلیسی

Forta kontraŭstaro
de irlanda diplomato al la angla
hegemonio





Pajam-e Sabzandiŝan
(Mesaĝo de Verd-ideanoj)
ISSN 1728-6174

IRANA ESPERANTISTO
Kultura kaj sendependa sezon-revuo internacia
Dua serio, N-ro 49, Printempo 2024

Bonvenas eseoj, artikoloj, raportoj kaj kontribuoj kondiĉe ke ili ne estu publikigitaj antaŭe. Bonvenas kultur-temaj kontribuoj ĉu en Esperanto ĉu en la persa, la kurda, aŭ la araba.

Ĉia presa aŭ elektronika citado aŭ eldonado de materialoj de IRANA ESPERANTISTO, ĉu originale ĉu tradukite en aliajn lingvojn, estas permesata. Bonvole menciu pri la fonto kaj la originala lingvo (t.e. Esperanto aŭ la persa) kaj se eble, informu nin pri eldonaĵo en kiu aperis io de aŭ pri IRANA ESPERANTISTO aŭ/kaj sendu ciferecan kopion al ni: info@espero.ir.

به نام خداوند جان و خرد



فصلنامه‌ی پژوهشی - فرهنگی چندزبانه‌ی اسپرانتو، فارسی، کردی و عربی

دوره دوم، شماره چهل و نهم، بهار ۱۴۰۳
شماره استاندارد بین‌المللی (ISSN):
۱۷۲۸-۶۱۷۴

تاریخ انتشار نخستین شماره: پاییز ۱۳۸۱

نقل مطالب مجله با ذکر منبع و مآخذ جایز است و از استفاده کنندگان درخواست می‌شود یک نسخه الکترونیکی یا تصویر از نشریه‌ای را که در آن مطلبی به نقل از این مجله درج شده است به نشانی اینترنتی مجله ارسال کنند.

مسئولیت مطالب مندرج در این مجله برعهده‌ی نویسندگان آن می‌باشد.

گرافیک و حروفچینی: سبزاندیشان

نشانی‌ها:

پایگاه اینترنتی: www.espero.ir
پست الکترونیک: info@espero.ir

Plejofte uzataj mallongigoj

AOK: Azia Oceania Kongreso
ILEK: Irana Literatura Esperanto Konkurso
IrEA: Irana Esperanto-Asocio
IrEJO: Irana Esperantista Junulara Organizo
IrEK: Irana Esperanto-Kongreso
IrLEI: Irana Ligo de Esperantistaj Instruistoj
KAOEM: Komisiono pri Azia-Oceania Esperanto Movado
UEA: Universala Esperanto Asocio
UK: Universala Kongreso
UN: Unuiĝintaj Nacioj

Kontribuantoj:

Farŝide Arabŝahi * Shler Karimi * Ma'sume Salehi * Keyhan Sayadpour * Hamzeh Shafiee * Nazi Solat * Roland Platteau

Reviziantoj:

Mohammad Javad Bayat * Nayyere Ebrahimpour * Simin Emrani * Shler Karimi * Ahmadreza Mamduhi * Ali Moradi * Keyhan Sayadpour * Hamzeh Shafiee * Nazi Solat



Kovrila Paĝo:
La 11-a Irana Esperanto-Kongreso
Lasta Paĝo:
Afiŝo pri Esperanto-tago

طرح روی جلد:
یازدهمین همایش اسپرانتوی ایران
طرح پشت جلد:
پوستر روز اسپرانتو



روز اسپرانتو

۲۶ جولای ۲۰۲۴

احترام و حقوق برای همه زبان‌ها

En ĉi tiu numero:

در این شماره:

- 4 Antaŭ ĉio..
- 5 Novaĵoj
- 6 Raporto Pri IrEK-11
Farŝide Arabŝahi
- 8 Preleg(ant)oj de IrEK-11
- 9 Rezolucio de IrEK-11
- 10 Raporto pri la Ekskursoj de IrEK-11
- 11 Poemo de Ŝahrzad Irani
Tradukis: Roland Platteau
- 12 Kontraŭ la angla hegemonio
Prelego de d-ro Seán Ó Riain
- 18 Leciono al malatentemulo
Tradukis: Hamzeh Shafiee
- 20 La arbaro de la Kongo-baseno
Tradukis: Nazi Solat
- 23 Okaze de la Esperanto-Tago
Gazetara komuniko de UEA
- 24 En Mia Vilaĝo
Tradukis: Ma'sume Salehi
- 26 Paĝoj en la Kurda Lingvo
Shler Karimi
- 30 Paĝoj en la Araba Lingvo
D-ro Keyhan Sayadpour
- 32 Afišo de Esperanto-Tago



- 4 قبل از هر چیز ...
- 5 اخبار
- 6 گزارش یازدهمین همایش اسپرانتو
فرشیده عربشاهی
- 8 لیست سخنرانی‌های همایش یازدهم اسپرانتو
- 9 قطعنامه همایش یازدهم اسپرانتو
- 10 گزارش تصویری همایش اسپرانتو
- 11 شعری از شهرزاد ایرانی
ترجمه از انگلیسی: رولاند پلاتیو
- 15 سخنرانی در مخالفت با سلطه انگلیسی
دکتر شون اریائین - ترجمه: احمدرضا ممدوحی
- 18 درس عبرتی برای غافلان
ترجمه: حمزه شفیعی
- 20 جنگل حوضه کنگو، گنجی شکننده
ترجمه: نازی صولت
- 23 به مناسبت روز جهانی اسپرانتو
ترجمه: حمزه شفیعی
- 24 در روستای من
ترجمه: معصومه صالحی
- 26 صفحات کردی
شهر کریمی
- 30 صفحات عربی
کیهان صیادپور
- 32 پوستر ویژه روز جهانی اسپرانتو

Antaŭ ĉio...

Vi havas antaŭ vi la 49-an numeron de la dua periodo de la revuo.

En ĉi tiu numero, vi vidos plenan raporton pri la 11-a Esperanto-kongreso kune kun ĝiaj fotoj kaj rezolucio. Ni alportis al vi ankaŭ la tekston de unu el la plej gravaj prelegoj prezentitaj en la virtuala parto de la kongreso sur la paĝoj 12 ĝis 17. Sur la mezaj paĝoj de la revuo troveblas perslingva scienca artikolo pri la neceso atenti detalojn en matematiko, kaj ankaŭ esplora artikolo pri medio.

Ekde kelkaj antaŭaj numeroj ni publikigas perslingvajn tradukojn el la facil-lingva retejo "uea.facila", kiun faras iranaj komencantoj. En ĉi tiu numero, vi legos mallongan artikolon "En mia vilaĝo" tradukitan de s-ino Ma'sume Salehi sur la paĝoj 24 kaj 25. Ni invitas aliajn Esperanto-komencantojn traduki artikolojn el Esperanto kaj sendi ilin.

La venonta numero de la revuo, okaze de la 50-a numero de la dua periodo, estos speciala numero, ankaŭ pri Esperanto kaj BRICS-landoj, kaj via kontribuo povas fari ĝin pli riĉa kaj leginda. Bv. sendu viajn verkojn al info@espero.ir plej malfrue fine de julio.

Ĝis la venonta numero,

Hamzeh Shafiee

قبل از هر چیز...

چهل‌ونهمین شماره از دوره دوم مجله را پیش روی خود دارید.

در این شماره گزارش کاملی از یازدهمین همایش اسپرانتو را همراه با عکس‌ها و قطعه‌نامه این همایش ملاحظه خواهید نمود. همچنین متن فارسی و اسپرانتوی یکی از مهمترین سخنرانی‌های ارائه شده در بخش مجازی همایش را در صفحات ۱۲ تا ۱۷ برایتان آورده‌ایم.

یک مقاله علمی درباره لزوم توجه به جزئیات در ریاضی و همچنین یک مقاله تحقیقی درباره محیط زیست را در صفحات میانی مجله خواهید یافت از چند شماره قبل اقدام به انتشار ترجمه مقالات سایت «uea.facila.org» که توسط نوآموزان اسپرانتو انجام می‌پذیرد نموده‌ایم. در این شماره مقاله کوتاه «در روستای من» را با ترجمه سرکار خانم معصومه صالحی در صفحات ۲۴ و ۲۵ می‌خوانید. همین‌جا از سایر نوآموزان اسپرانتو دعوت می‌کنیم با ترجمه مقالات از اسپرانتو و ارسال آن، علاوه بر تمرین زبان، در پربار نمودن محتوای مجله نیز ما را یاری دهند.

شماره آینده مجله به مناسبت پنجاهمین شماره از دوره دوم، یک شماره ویژه خواهد بود، از جمله درباره‌ی زبان اسپرانتو و کشورهای بریکس، که مشارکت شما آن را غنی‌تر و خواندنی‌تر خواهد کرد. آثار خودتان را حداکثر تا نیمه مردادماه به ایمیل info@espero.ir ارسال نمایید.

تا شماره بعد، بدرود

همزمان با برگزاری یازدهمین همایش اسپرانتوی ایران

دومین دوره انتخاب «اسپرانتودان

سال ایران» برگزار شد.

از سال گذشته و همزمان با برگزاری دهمین همایش اسپرانتوی ایران، تصمیم بر این شد که کمیته انجمن اسپرانتوی ایران سالانه «اسپرانتودان سال ایران» را انتخاب کند. منتخب سال گذشته آقای سپهر بهلول اسپرانتیست جوان بود. امسال مهندس محمدرضا عارف‌منش به خاطر «تلاش‌های ایثارگرانه و صمیمانه‌اش برای گسترش اسپرانتو در ایران» با این امید انتخاب شدند که «در برداشتن گام‌های بلندتر برای اسپرانتو در سراسر جهان موفق شوند». گواهی مربوطه در پایان یازدهمین همایش اسپرانتو به ایشان تقدیم شد.

Irana Esperantiso de la jaro

Ekde la 10-a Irana Esperanto-Kongreso, estis decidite, ke IrEA-komitato ĉiujare elektu "Iranan Esperantiston de la Jaro". La lastjara elektito estis juna esperantisto Sepehr Bohlu, kaj ĉijare elektiĝis inĝ. Mohammad Reza Arefmanesh (1975-) pro liaj "sindonemaj streboj kaj elkoraj klopodoj por disvastigi Esperanton en Irano" esperante, ke li "sukcesos plenumi pli grandajn paŝojn por Esperanto ankaŭ tutmonde". La koncernan atestilon fine de la kongreso dediĉis IrEA-prezidanto al li, iomete klarigante pri li kaj liaj aktivadoj por Esperanto en Irano.



چند خبر کوتاه

* تا پایان خرداد ماه، ۶۲۰ نفر از ۶۴ کشور جهان برای شرکت در یکصد و نهمین همایش جهانی اسپرانتو، که امسال برای نخستین بار در قاره سبز آفریقا برگزار خواهد شد، ثبت نام نموده‌اند. این همایش از ۱۳ تا ۲۰ مرداد در شهر آروشا در شمال کشور تانزانیا برگزار می‌شود.

* همایش جهانی «اتحادیه بین‌المللی آموزگاران اسپرانتودان» (ILEI-Kongreso) از ۵ الی ۱۲ مرداد در شهر ماسه‌یو در شمال غرب برزیل برگزار خواهد شد. همچنین همایش جهانی جوانان اسپرانتودان از ۲۸ مرداد تا ۴ شهریور در جمهوری لیتوانی برگزار می‌شود.

* انتخاب یک اسپرانتودان در پارلمان اروپا: در ۹ ژوئن ۲۰۲۴، یک سیاستمدار و اسپرانتیست مشهور لیتوانیایی و اروپایی، عضو کمیته حامی افتخاری سازمان جهانی اسپرانتو آقای Vytenis Andriukaitis به عنوان عضو پارلمان جدید اروپا انتخاب شد.

* دوره‌های جدید حضوری و مجازی آموزش مقدماتی اسپرانتو با همکاری اتحادیه علمی-دانشجویی گردشگری و هتلداری ایران و مدیریت جهانگردی دانشگاه تهران توسط انجمن اسپرانتو ایران پس از یازدهمین همایش اسپرانتوی ایران آغاز شد.

* یازدهمین همایش اسپرانتوی ایران در روزهای ۱۱ و ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۳ به صورت حضوری و در روزهای ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۳ به صورت مجازی برگزار شد. برنامه حضوری این همایش در روز ۱۱ اردیبهشت در باشگاه دانشجویان دانشگاه تهران پذیرای اسپرانتودانان و علاقه‌مندان به این زبان بود. گلگشت بازدید از موزه سینما، موزه هنرهای ایرانی، و موزه دکتر حسابی برنامه دومین روز همایش بود. برنامه مجازی نیز مشتمل بر بیش از ۲۰ سخنرانی در محیط زوم برگزار شد.

زبان ارتباطات و توسعه در گروه کشورهای بریکس: اسپرانتو



گروه بریکس در ابتدا شامل برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی بود که نام این گروه نیز از حروف اول اسم این کشورها برگرفته شده است. در اوایل سال جاری با عضویت عربستان سعودی، ایران، اتیوپی، مصر و امارات متحده عربی، تعداد اعضای این گروه به ده عضو افزایش یافت. ۱۶ کشور دیگر از جمله پاکستان و اندونزی و ویتنام نیز رسماً خواستار پیوستن به این گروه شده‌اند. کشورهای عضو بریکس روی هم ۴۰ درصد جمعیت جهان را دارند و توسعه آنها بسیار سریع است.

اگر گروه کشورهای بریکس بخواهند بیشتر و بیشتر با هدف توسعه در زمینه‌های گوناگون با یکدیگر همکاری کنند، پذیرش تدریجی یک زبان مشترک بی‌طرف بین‌المللی چیزی آسان‌تر و مقرون به صرفه‌تر از استفاده از زبان‌های متعدد آنها و یا استفاده از زبان انگلیسی است، که زبان هیچکدام از آنها نیست و بسیاری از آنها توسط انگلیسی تحت استعمار بوده‌اند. این زبان بین‌المللی اسپرانتو است که یونسکو به کشورهای عضو و در نتیجه به بریکس توصیه کرده تا در مدارس و دانشگاه‌های آنها معرفی گردد و آموزش داده شود. تنها به دلیل نگرش کشورهای قدرتمند غیر بریکس، توجه کمی به این توصیه‌ی منطقی و عادلانه‌ی یونسکو شده است.

هر رابطه رو به رشد بین یک گروه متشکل از کشورهای با زبان‌های متفاوت ملی، هم هزینه‌های رو به رشد و هم محدودیت‌های جدی این روابط را به دلیل تنوع زبانی در کشورهای مربوطه به همراه دارد. این مشکلات را می‌توان به روشی غیرهژمونیک یا استیلاطلبانه و به باری بهره‌گیری از زبان آسان و توانای اسپرانتو به عنوان زبان بی‌طرف مشترک حل کرد. علاوه بر این، تلاش برای گسترش و شناساندن این زبان بی‌طرف بین‌المللی در کشورهای مختلف دارای سابقه‌ای طولانی است. دولت‌های کشورهای بریکس باید شجاع‌تر از کشورهای قدرتمند غربی بوده و در راه رسیدن به راه‌حل عادلانه‌ای که به همه مردم کشورهاشان اجازه می‌دهد خودشان باقی بمانند و با مردم دیگر ارتباط برقرار کنند، تلاش نمایند و از توصیه‌های یونسکو در این زمینه پیروی کنند.

موضوع اصلی شماره آینده مجله سیزان‌دیشان به موضوع «اسپرانتو و بریکس» اختصاص خواهد داشت. چنانچه در این خصوص مقاله یا نظری دارید با ما در میان بگذارید.

Tri-paĝa raporto pri la 11-a Irana Esperanto-Kongreso (IrEK-11) en la revuo "Esperanto" kun foto sur la kovrilpaĝo

Revuo "Esperanto", la oficiala organo de "Universala Esperanto-Asocio", en sia nova numero (numero 1392, julio-aŭgusto 2024) publikigis detalan raporton pri la 11-a Irana Esperanto-Kongreso kaj ankaŭ aperigis bildon de la memorfoto de tiu ĉi kongreso sur la kovrilpaĝo.

گزارش سه صفحه ای از یازدهمین همایش اسپرانتو ایران (IrEK-11) در مجله «اسپرانتو» با عکس روی جلد

نشریه «اسپرانتو»، ارگان رسمی «سازمان جهانی اسپرانتو» که به صورت ماهانه منتشر می‌شود و پرخواننده‌ترین و پرتیراژ‌ترین نشریه اسپرانتوزبان می‌باشد، در جدیدترین شماره خود (مجله شماره ۱۳۹۲ - جولای ۲۰۲۴) گزارشی مفصل از یازدهمین همایش اسپرانتوی ایران منتشر نموده و روی جلد این شماره را نیز با تصویری از عکس یادگاری این کنگره مزین کرده است.

Oficiala organo de Universala Esperanto-Asocio (en oficialaj rilatoj kun UN kaj Unesko)

Esperanto

117-a jaro • n-ro 1392 (7-8) | julio-aŭgusto 2024

Aranĝoj omaĝe al William Auld kaj Marjorie Boulton | 147



Duspeca 11-a Irana Esperanto-Kongreso | 152



Estrara Raporto pri la agado de UEA en 2023 | 156



ISSN 0014-0363

Eventoj

Duspeca 11-a Irana Esperanto-Kongreso

Ahmad Mamdohi

Sukcesa metodo en la transira periodo

En la 30-a de aprilo kaj la 5-a de majo okazis la 11-a Irana Esperanto-Kongreso (IrEK-11) en la tute apertaj ĉambroj de la ĉefa konstruaĵo de la Universala Esperanto-Asocio (UEA) en Teherano. La kongreso estis la plej granda kunveno de la Irana Esperanto-Kongreso (IrEK) en la historia periodo de la kongreso praktikke. La 11-a Irana Esperanto-Kongreso (IrEK-11) estis la plej granda kongreso de la Irana Esperanto-Kongreso (IrEK) en la historia periodo de la kongreso praktikke. La 11-a Irana Esperanto-Kongreso (IrEK-11) estis la plej granda kongreso de la Irana Esperanto-Kongreso (IrEK) en la historia periodo de la kongreso praktikke.

Limtitaj lecionoj

Generale, nia ĉefa celo el analizo kaj raportado pri nia kongreso kaj la 11-a Irana Esperanto-Kongreso (IrEK-11) estis la plej granda kongreso de la Irana Esperanto-Kongreso (IrEK) en la historia periodo de la kongreso praktikke.

Marŝal Meluhan kaj ni

Enkonduko al nia raporto, mi memorigas pri Marŝal Meluhan (1919-1980), krom kiel unu el la plej gravaj roluloj de la Irana Esperanto-Kongreso (IrEK) en la historia periodo de la kongreso praktikke.

Ceesta parto de IrEK-11

En la 30-a de aprilo kaj la 10-a de majo okazis la 11-a Irana Esperanto-Kongreso (IrEK-11) en la tute apertaj ĉambroj de la ĉefa konstruaĵo de la Universala Esperanto-Asocio (UEA) en Teherano. La kongreso estis la plej granda kunveno de la Irana Esperanto-Kongreso (IrEK) en la historia periodo de la kongreso praktikke.

Historiama prelego de irana bibliografio

La fina prelego, kiu okazis fare de s-ro Ali Asgari Kofasari, estis historia rakonto pri "Historiaj Esperantistoj de Irano". Li estas iniciatinto kaj organizanto de tre ampleksa persilingva bibliografio de Esperanto en Irano ("https://bibliografi.ir"). Ĝi nun (majmezo de 2024) la reĝo havas ĉirkaŭ 4000 vizaĵojn. Tiajn vizaĵojn oni povas uzi por aliaj celoj, ĉar ĉiuj vizaĵoj estas ĉiuj lingvoj pri la Irano.

Eksperta tago de IrEK-11

En la dua kaj lasta tago de la kongreso okazis eksperta tago pri la 11-a Irana Esperanto-Kongreso (IrEK-11) en la tute apertaj ĉambroj de la ĉefa konstruaĵo de la Universala Esperanto-Asocio (UEA) en Teherano. La kongreso estis la plej granda kunveno de la Irana Esperanto-Kongreso (IrEK) en la historia periodo de la kongreso praktikke.

Rezolucio de IrEK-11

Fine de la kongreso la Rezolucio de la kongreso estis voligita per la estantaj kongresanoj, kiuj aprobitis ĝin unuanime. Ĝi ĝis tiam.

Rezolucio de la 11-a Irana Esperanto-Kongreso (IrEK-11)

La 11-a Irana Esperanto-Kongreso (IrEK-11) okazinta ĉeeste en la Universala Esperanto-Asocio (UEA) en Teherano en la 30-a de aprilo kaj la 5-a de majo, kiu kunigis 108 partoprenantojn el 28 landoj.

La ĉefa celo de la kongreso estis la plej granda kunveno de la Irana Esperanto-Kongreso (IrEK) en la historia periodo de la kongreso praktikke.

La kongreso estis la plej granda kunveno de la Irana Esperanto-Kongreso (IrEK) en la historia periodo de la kongreso praktikke.

La kongreso estis la plej granda kunveno de la Irana Esperanto-Kongreso (IrEK) en la historia periodo de la kongreso praktikke.

152 | 1392(7-8) Julio-Aŭgusto 2024 | Esperanto

konso de Teherano kaj ĉeeste kaj virtuale.

Foto de Sara Soltkade

4. Komenci ĉiun prelegon je preciza UTC-horo faciligas ĉion por ĉiuj partoprenantoj, ĉu per prelegojn, ĉu per spektantajn kongresanojn el diversaj landoj. Universala Temo Komitato (UEA) estas preciza la sama kiel GMT (Greenwich Meza Tempo), sed anstataŭ surbaze de la rotacio de la Tero, estas surbaze de maza tempo de 200 atomaj horoj de la mondo. Felice la Esperantologia reĝejo <https://time.is/UTC> listigas "timezone" montras UTC-horon kaj ĝian ekvivalenton por ĉiuj horoj de la mondo. Do ni tuj pligrandigas la programon bazante sur UTC, ke precize je ĉiu horo la UTK-komitato prelego. Se precize komu kun siaj interkompaj komentoj kaj demandoj kaj respondoj dadrin malpli ol horo, ĉiuj povas ĝin ripro-paŝon, kaj vice bezonatas de tempo al tempo kiam dum kongreso tago okazas ĉi diek prelegoj sinsekve.

Ceesta parto de IrEK-11

En la 30-a de aprilo kaj la 10-a de majo okazis la 11-a Irana Esperanto-Kongreso (IrEK-11) en la tute apertaj ĉambroj de la ĉefa konstruaĵo de la Universala Esperanto-Asocio (UEA) en Teherano. La kongreso estis la plej granda kunveno de la Irana Esperanto-Kongreso (IrEK) en la historia periodo de la kongreso praktikke.

Marŝal Meluhan kaj ni

Enkonduko al nia raporto, mi memorigas pri Marŝal Meluhan (1919-1980), krom kiel unu el la plej gravaj roluloj de la Irana Esperanto-Kongreso (IrEK) en la historia periodo de la kongreso praktikke.

Ceesta parto de IrEK-11

En la 30-a de aprilo kaj la 10-a de majo okazis la 11-a Irana Esperanto-Kongreso (IrEK-11) en la tute apertaj ĉambroj de la ĉefa konstruaĵo de la Universala Esperanto-Asocio (UEA) en Teherano. La kongreso estis la plej granda kunveno de la Irana Esperanto-Kongreso (IrEK) en la historia periodo de la kongreso praktikke.

Historiama prelego de irana bibliografio

La fina prelego, kiu okazis fare de s-ro Ali Asgari Kofasari, estis historia rakonto pri "Historiaj Esperantistoj de Irano". Li estas iniciatinto kaj organizanto de tre ampleksa persilingva bibliografio de Esperanto en Irano ("https://bibliografi.ir"). Ĝi nun (majmezo de 2024) la reĝo havas ĉirkaŭ 4000 vizaĵojn. Tiajn vizaĵojn oni povas uzi por aliaj celoj, ĉar ĉiuj vizaĵoj estas ĉiuj lingvoj pri la Irano.

Eksperta tago de IrEK-11

En la dua kaj lasta tago de la kongreso okazis eksperta tago pri la 11-a Irana Esperanto-Kongreso (IrEK-11) en la tute apertaj ĉambroj de la ĉefa konstruaĵo de la Universala Esperanto-Asocio (UEA) en Teherano. La kongreso estis la plej granda kunveno de la Irana Esperanto-Kongreso (IrEK) en la historia periodo de la kongreso praktikke.

Rezolucio de IrEK-11

Fine de la kongreso la Rezolucio de la kongreso estis voligita per la estantaj kongresanoj, kiuj aprobitis ĝin unuanime. Ĝi ĝis tiam.

Rezolucio de la 11-a Irana Esperanto-Kongreso (IrEK-11)

La 11-a Irana Esperanto-Kongreso (IrEK-11) okazinta ĉeeste en la Universala Esperanto-Asocio (UEA) en Teherano en la 30-a de aprilo kaj la 5-a de majo, kiu kunigis 108 partoprenantojn el 28 landoj.

La ĉefa celo de la kongreso estis la plej granda kunveno de la Irana Esperanto-Kongreso (IrEK) en la historia periodo de la kongreso praktikke.

La kongreso estis la plej granda kunveno de la Irana Esperanto-Kongreso (IrEK) en la historia periodo de la kongreso praktikke.

La kongreso estis la plej granda kunveno de la Irana Esperanto-Kongreso (IrEK) en la historia periodo de la kongreso praktikke.

Esperanto | 1392(7-8) Julio-Aŭgusto 2024 | 153

vidi homogrupojn - ĉiuj elprenas de kolektiĝinta por asprigita kolektiĝinta. Verdo estas tio, ke ĉiuj ni homoj tra la tuta mondo estas nur Homo Sapiens (sajaj partoj homoj).

Poste, la prezidanto de IEA d-ro Kerytan Sayadpour, montrante fotojn de tiu ĉi ekestanta vizaĝo partoj por avantaĝoj de Esperanto por turismo, kiam ni persone transporto.

Historiama prelego de irana bibliografio

La fina prelego, kiu okazis fare de s-ro Ali Asgari Kofasari, estis historia rakonto pri "Historiaj Esperantistoj de Irano". Li estas iniciatinto kaj organizanto de tre ampleksa persilingva bibliografio de Esperanto en Irano ("https://bibliografi.ir"). Ĝi nun (majmezo de 2024) la reĝo havas ĉirkaŭ 4000 vizaĵojn. Tiajn vizaĵojn oni povas uzi por aliaj celoj, ĉar ĉiuj vizaĵoj estas ĉiuj lingvoj pri la Irano.

Eksperta tago de IrEK-11

En la dua kaj lasta tago de la kongreso okazis eksperta tago pri la 11-a Irana Esperanto-Kongreso (IrEK-11) en la tute apertaj ĉambroj de la ĉefa konstruaĵo de la Universala Esperanto-Asocio (UEA) en Teherano. La kongreso estis la plej granda kunveno de la Irana Esperanto-Kongreso (IrEK) en la historia periodo de la kongreso praktikke.

Rezolucio de IrEK-11

Fine de la kongreso la Rezolucio de la kongreso estis voligita per la estantaj kongresanoj, kiuj aprobitis ĝin unuanime. Ĝi ĝis tiam.

Rezolucio de la 11-a Irana Esperanto-Kongreso (IrEK-11)

La 11-a Irana Esperanto-Kongreso (IrEK-11) okazinta ĉeeste en la Universala Esperanto-Asocio (UEA) en Teherano en la 30-a de aprilo kaj la 5-a de majo, kiu kunigis 108 partoprenantojn el 28 landoj.

La ĉefa celo de la kongreso estis la plej granda kunveno de la Irana Esperanto-Kongreso (IrEK) en la historia periodo de la kongreso praktikke.

La kongreso estis la plej granda kunveno de la Irana Esperanto-Kongreso (IrEK) en la historia periodo de la kongreso praktikke.

La kongreso estis la plej granda kunveno de la Irana Esperanto-Kongreso (IrEK) en la historia periodo de la kongreso praktikke.

154 | 1392(7-8) Julio-Aŭgusto 2024 | Esperanto

Raporteto pri la 11-a Irana Esperanto-Kongreso

Denove printempo venis kun nova Irana Esperanto-Kongreso. Tiu estas la 11-a Irana Esperanto-Kongreso (IrEK-11).

Ĉi-foje la kongreso okazis en la impona salono Amirkabir de la “Universitato de Tehrano” marde la 11-an de Ordibehešt-monato (2024.4.30). Mi kun mia filino Faranak kaj mia amikino Akram ekveturis lunde el Ŝahin-Ŝahr en la provinco Esfahano al Tehrano.

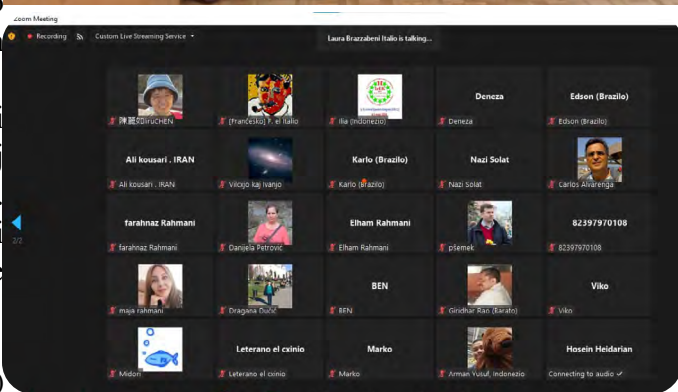
Marde matene (30 Apr.) la kongreso komenciĝis per la himno de Espero. Poste daŭris la programo kun raportoj de d-ro Sayadpour, inĝenieroj Mamduhi kaj Shafiee. Poste venis la prelego de d-ro. Karamudini titolita “Ĉu ekzistas supera homa raso?”.

Tuto de la prelegoj estis faritaj en Esperanto, sed ni havis tre utilan raporton de d-ro Sayadpour pri “Uzado de Esperanto por Turismo” en la persa lingvo, kiu estis bazita sur la memoraĵoj de liaj vojaĝoj al kelkaj landoj nur per Esperanto.

Estis tre interese por mi ke du novaj esperantistinoj kun multaj malfacilaĵoj venis el Kurdistan (provinco en okcidenta parto de Irano) rekte al la kongresejo kaj poste reiris al siaj urboj tuj. Ili havis grandan entuziasmon pri Esperanto.

Postan tagon ni havis ekskurson en Tehrano. Ni vizitis kelkajn muzeojn: Kin-Muzeo, Art-muzeo kaj la Muzeo de d-ro Hesabi en la norda parto de la urbo. Ni registris tiujn neforgeseblajn momentojn per fari multajn fotojn. Fine ni adiaŭis unu la alian, espereble ni renkontiĝu denove en aliaj kunsidoj.

Farshideh Arabshahi (Ŝahin-Ŝahr / Esfahano)



Listo de preleg(ant)oj en IrEK-11

D-ro Mohammad Karamudini:
«*Ĉu Ekzistas Supera Homa Raso?*»



D-ro Keyhan Sayadpour:
«*Uzado de Esperanto por Turismo*»

Hamzeh Shafiee:
«*Irana E-Movado pasint-jare*»



S-ro Aliasgar Kousari:
«*Pioniraj Esperantistoj de Irano*»

D-ino Laura Brazabenni:
«*ESPERANTO KAJ TURISMO:
ponto inter kulturoj*»



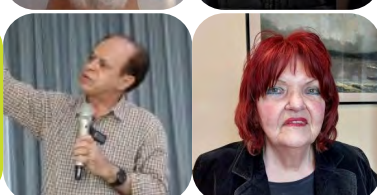
D-ino Heidi Goes:
«*Esperanto de la oriento*» kaj *cenzuro en Nederlanda Hindio*» + «*Pri la historio de Esperanto en Singapuro*»

Prof. Vicente Manzano Arrondo (Viko):
«*Scienco-Disvastigo: kial, kiam kaj kiel*»



D-ino Azar Karimi:
«*Belecoj de suda Irano*»

Reza Kheyrikhah:
«*Kiel mi mond-vojaĝis kiel Esperantisto?*»



Marija Jerkovic:
«*Lernu kaj ĝuu kun ni*»

François LO JACOMO:
«*Ĝemelaj urboj kaj turismo*»



D-ro Seán Ó Riain:
«*Nova libro: Lingvopoliko kaj la Estonto de Eŭropo*»

Trevor Steele:
«*La Ido-skismo*»



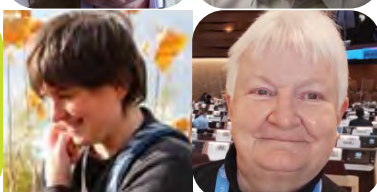
prof. Giridhar Rao:
«*Mil naŭcent okdek kvar (1984) de George Orwell -- 75 jarojn poste*»

Prof. Renato Corsetti:
«*Ĉiuj parolas pri milito, esperantistoj parolu pri paco*»



Radojica Petroviĉ:
«*Esperanto-turisma evento en Beograd, aŭguste 2024*»

Prof. Alessandra Madella:
«*Esperanto-turismo en Zaozhuang, Cxinio*»



S-ino Mirejo Groĵan:
«*Edukado al respekt plena turismo*»

Fransoazo Noireau:
«*Malrapida vojaĝado*»



Hoan Tran (Ĝojo):
«*Mia vojaĝo al Japanio por instruado de Esperanto dum la Transjara Kurskunveno 2023*»



La Rezolucio de la 11-a Irana Esperanto-Kongreso (IrEK-11)

La 11-a Irana Esperanto-Kongreso (IrEK-11), okazinta ĉeeste en la Universitato de Tehrano en la 30a de aprilo kaj la 1a de majo, kaj virtuale en la 4-a kaj la 5-a de majo, kun 108 partoprenantoj el 28 landoj,

- Debatis pri la aktualaj problemoj de la Esperanto-movado en Irano kaj en la mondo, kaj kiel al ili povas helpi pli efika kaj daŭripova turismo per Esperanto.

- Analizis la internaciajn rilatojn en la nuna mondo el la vidpunktoj politikaj, ekonomiaj, kulturaj kaj sekve lingvaj, kaj kiel ili povas prosperi ankaŭ per ekoturismo helpe de Esperanto.

- Reasertis, ke la internacia lingvo Esperanto estas nenio alia ol klopodo enkonduki justecon en la mondon en la kampo lingva-kultura kaj protekti ĉiujn kaj ĉies lingvajn homajn rajtojn, kaj ke la lernado de Esperanto faciligas la lernadon de aliaj fremdaj lingvoj, kaj ke ĝia uzo povas plibonigi ankaŭ la sperton de turismado.

- Esprimis la deziron, ke rilate al naciaj lingvoj nun uzataj kiel internaciaj lingvoj, oni objektive kaj laŭ scienca maniero mezuru la nivelon de la kapablo de la dulingvaj parolantoj efektive uzi ilin, kaj komparution kun la kapablo de Esperanto-parolantaj dulingvanoj – i.a. en turismaj aplikadoj.

- Prilumis la grandajn diferencojn inter la nuna mondo kaj la mondo, en kiu Esperanto estos akceptita kiel komuna neŭtrala dua lingvo, kaj kiel tio povas plifortigi ankaŭ la turismon per Esperanto. En tiu mondo centra valoro estos la respekto de ĉiuj popoloj grandaj kaj malgrandaj, kaj la egaleco de ĉiuj homoj kaj de ĉiuj kulturaj valoroj.

- Esprimis la esperon, ke la nun komenciĝanta procedo por alveni al mondo multpolusa enhavu ankaŭ kulturan kaj lingvan dimension, kaj ke tiu dimensio estas esenca ankaŭ por pli fruktodona turismo per Esperanto.

Foto-Raporto pri la Post-Kongresa Ekskurso

Hamzeh Shafiee



La unu-taga ekskurso de la kongreso okazis je la 1-an de majo. Ni komencis la ekskurson per vizito al Kino-Muzeo de Irano. Kino-Muzeo de Irano estas en la koro de Ferdoŭs-Ĝardeno en la norda parto de Tehrano.

Antaŭ ol eniri la muzeon, ni faris komunan foton ĉe la muzea konstruaĵo.

En la muzeo oni konatiĝas kun la historio de la kin-arto en Irano.

Post viziti Kin-muzeon, ni promenadis en la proksima parko kie troviĝas la Irana Artmuzeo.

La Irana Artmuzeo, ankaŭ konata kiel la Sepahbod-Ĝardeno, estas unu el la vidindaĵoj de Tehrano, situanta en la Elahie-a areo. La ĉefa famo de ĉi tiu muzea ĝardeno ŝuldiĝas al la ĉesto de belaj miniaturaj 3-dimensiaj kopioj de la famaj turismaj vidindaĵoj de Irano en ĝi.



Laŭ mi, la plej vidinda loko en nia ekskurso estis la muzeo de d-ro Hesabi. La muzeo situas en Tehrano, en la domo kie li loĝis. Ĝi estas dediĉita al la vivo kaj laboroj de d-ro Mohammad Reza Hesabi, elstara irana kuracisto kaj politikisto.

Kaj la fina parto de la ekskurso estis komuna foto post la tagmanĝo. Tiu ĉi foto estas farita ĉe la enirejo de Ferdoŭs-Gardeno, kie estis la starta kaj la fina ejo de nia neforgesebla kongresa ekskurso.



Kio Estas Amo Per Alia Nomo?

ŜAHRZAD IRANI

(originalo anglalingva verkita en ekzilo, la urbo Abadano estis eldetruita dum la milito Irano-Irako)

Tradukis: Roland Platteau

Fonto: <https://iranian.com/July96/Arts/Shahrzad/Shahrzad.html>

Ĉu vi jam aŭdis pri la perdita urbo Atlantio?
Rakontoj estas rakontataj pri ties civilizo;
Multaj esploris pri ĝia lokiĝo, oferante sumegojn,
ankaŭ vivojn;
Legendoj inspiris scivolemeon kaj fascinon.

Kiel eblas ke urbo estas forgesita?
Kio okazis je ĝia popolo kaj kulturo?

Se eltrovitan ĉu vi scivolus ĝin ekkoni,
Iliajn vivojn imagi?

Ĉu floroj ankoraŭfoje kreskus?
Ĉu la tero denove fluigus en ĉiujn angiojn de l'floroj
tiun vivon legendan?
Ĉu ĝardenoj parfumus en la aero?

Ĉu la palmoj la sekretojn de ĝiaj loĝantoj dirus:
Iliajn dezirojn, afliktojn, esperojn, revojn, la
ruĝiĝintan ridon de junulino, kiu ĵus unuafoje sentis
kareson de l'suno;
Knabon kuranta por iĝi viro, dum la urbo lin akceptas
kaj ade dorlotas;
Renkontojn sekretajn kaj promesojn.

Mia kapo inundatas je aromo de Atlantio,
Trankvila mi ne plu povas resti.
Mia konfeso iradis tra jaroj multaj
Tra landoj multaj, antaŭ ol atingi vin,
Pardonu min pri ne malkaŝi,
Mi petas: aŭskultu mian koron.

Mi naskiĝis en Atlantio.
Ĝian lakton mi trinkis, kaj miajn muskolojn Atlantio
nutris, kaj mension mian;
Ĝia suno estis mia ŝirmo, kaj ĝiaj muroj mia parfumo,
Ĉiuj ĝiaj loĝantoj estis najbaroj miaj.

Atlantio vartis min nokte, kaj ĝia tagmezo miajn
revojn prilumis;
Atlantio promesis al mi amon, pasion, aventuron;
Atlantio al mi lernis, kiel daŭre braĝigi la civiton en
mi.

Mi nun kapablas lumigi la urbon laŭ mia volo.
Daŭre mi sentas la varmon de la najbararo.
Ĝian ritmon aŭdas mi, kaj mi movas laŭ ĝi.

Nokte, mi povus ferminte la okulojn piediri la
stratojn dum horoj.
Mi ripozas riverborde, kaj igas la oran akvon mildigi
miajn plandojn.

Mi min demandas, kiom da homoj memoros tiun
landon!

Tiun urbon mi amas tutforte, ĝiajn kolorojn
kaj bravajn civitanojn, sentemajn kaj ĝojemajn
kanzonojn, bonkorajn kaj saĝajn intruistojn, kaj
ĝiajn gvardistojn kaj militistojn.
Foje timas mi, ke mi povus forgesi Atlantion;
Tiam mi kuras tra la stratoj, la paŝtejo.
Mi tie trovas la plej egan, plej verdan palmon, kaj
Ripozas sub ĝia belo, sekretoj ree estas re-dirataj
Denove memoras mi.

Mia koro suferas pro la homoj, kiuj neniam loĝis,
neniam konis Atlantion.

Neniam sentis la varmon de ĝiaj stratoj, molan
nigran sablaĵon, balzamajn ventetojn, ĉirkaŭpremon
de ĝia rivero. Kaj amantojn, kiuj neniam timis kaj
ĉiam kredis.

Mi scias, ke neniam Atlantio estos denove.
Ŝajnas, kvazaŭ la dioj kreis la plej mirindan lokon
surteran por lasi la infanojn libere kuri, fondi
sanktejon por la geamantoj,
Certigi, ke ĉiuj loĝantoj havu amon en iliaj koroj,
Konduki febran printempon, eternan someron,
sencedan sunon
Kune pruvi, ke Paradizon posedas la vivantoj.

Tiu renkonto de tempo, vivo, amo elfaris frukton,
kiu neniam povus dufoje fariĝi.
Aliaj eble simile odoros. Aŭ aspektos
Sed neniam estos la sama travivo .
La recepton vi povus peti al la dioj kaj ajne klopodi,
neniam la sama estos.

Do destino mia estas ĝin memori kaj kun ĝi vivi
nur en koro, sciante , ke neniam plu estos am'
kondamnite je kunporti tiun sekreton en mi.

Nun kaj nun mi sopiras pri la hejmo kaj bezonas
paroli pri mia urbo.

Do se vi min vidas malgaja, demandu min pri mia
nasgiĝloko.
Kaj ĉar pri Atlantio mi ne povas paroli
Demandu de mi alian nomon ĝian.

Demandu al mi pri Abadano.

Prelego de d-ro Seán Ó Riain en la 11-a Irana Esperanto-Kongreso (IrEK-11), en la 4-a de majo 2024

D-ro Seán Ó Riain estas irlanda diplomato kaj lingvisto. Nuntempe li respondecas pri la promocio de plurlingveco ĉe la irlanda Ministerio pri la Eksteraj Aferoj. Li pasigis pli ol 40 jarojn de sia vivo por diplomatia servado en Bruselo kun EU, Germanio, Pollando, Argentino, Aŭstralio, Aŭstrio (Aferŝarĝito dum la plej granda parto de 2020). De 2007 ĝis 2015 li estis nacia eksperto ĉe la Eŭropa Komisiono en Bruselo. Li doktoriĝis ĉe la Trinity College Dublin pro la tezo "Lingvoplanado en Irlando kaj Québec 1919-1985".



Forta kontraŭstaro de irlanda diplomato al la angla hegemonio

Prezentado de nova libro:

«Lingvopoliko kaj la Estonto de Eŭropo», Routledge, 2023

Karaj geamikoj,

Estas denove por mi granda plezuro paroli al la Irana Esperanto-Kongreso, kaj mi elkore dankas al Ahmad pro la invito.

Hodiaŭ mi ŝatus prezenti al vi novan libron, "**Lingva politiko kaj la estonteco de Eŭropo**", kiu aperis pastintsomere. Verkita kune de profesoro Alice Leal kaj mi, la verko forte subtenas multlingvismon en Eŭropo, kaj kontraŭas la kreskantan regadon de la angla lingvo. Ĝi enhavas ankaŭ multajn informojn pri Esperanto, aparte la "Multlingva Akcelilo", la uzado de mallongaj Esperanto-kursoj por plibonigi lingvolernadon ĝenerale.

Profesoro Alice Leal estas brazila lingvisto

kaj specialisto en tradukado, kaj laboras en la Universitatoj de Vieno, Aŭstrio, kaj Johanesburgo, Sudafriko. Ŝi ne estas parolanto de Esperanto, sed ŝi jam bone komprenas ĝin kaj simpatias kun niaj celoj de lingva justeco. Jam en 2021 ŝia verko "La angla kaj tradukado en la Eŭropa Unio" forte argumentis por praktikaj EU-iniciatoj por defendi multlingvismon kontraŭ la konstanta kaj kreskanta invado de la angla.

La nova libro estis lanĉita ĉe la Nitobe Simpozium en Torino en julio pasintjare, kaj danke al la malavareco de nia japana subtenanto, Etsuo Miyoshi, 60 ekzempleroj de la libro estis senditaj en aprilo al ŝlosilaj decidfarantoj en la registaroj de Francio, Germanio kaj Pollando,

kaj de la EU-institucioj en Bruselo. La libro enhavas 170 paĝojn en 6 ĉapitroj, kies nomoj estas:

1. La Eŭropa Ĉarto por Regionaj aŭ Malplimultaj Lingvoj – dum 2 jaroj mi reprezentis la registaron de Irlando en interregistara konferenco de la Konsilio de Eŭropo kiu preparis tiun ilon por defendi la rajtojn de tiuj lingvoj, kaj la libro entenas miajn personajn spertojn pri tiu laboro. Nia plej granda tasko estis certigi, ke nia dokumento ricevu la statuson

de jure deviga konvencio, kaj ne de "rekomendo", kiu rapide estos forgesita. Ni sukcesis pri tio, kaj la nova konvencio estis malfermita por subskriboj la 5-an de novembro 1992. Kvankam 3 landoj – Francio, Grekio kaj Turkio – ne volis la konvencion, tamen fine nur Grekio voĉdonis kontraŭ, kaj eĉ Grekio ne blokis la starigon de nova konvencio, kvankam ĝi estus povinta fari tion. Ĝis nun 25 landoj ratifis la Ĉarton, kaj pliaj 9 subskribis sed ne ratifis.

2. La statuso de plurlingveco en la Eŭropa Komisiono – dum 8 jaroj mi laboris kiel tiel-nomata «pruntita nacia spertulo»

en la Komisiono. La irlanda diplomatia servo pruntedonis min al la Eŭropa Komisiono, kiel konsilanton pri lingvopolitiko, kaj ankaŭ kiel estro de la irlanda traduka servo por la oficiala retejo de la Komisiono. Mi povis vidi propraokule la grandan nescion pri Esperanto en la Komisiono, kaj la evoluon forlasi la tutan agadon pri lingvopolitiko, por koncentriĝi nur pri tradukado inter la 24 oficialaj lingvoj de EU. Pli ol 2,500 tradukistoj laboras en la Komisiono, verŝajne la plej granda tradukservo en la mondo.

3. La Eŭropa Komisiono kaj la angla kiel "lingua franca" – Teorie la 24 oficialaj lingvoj de EU estas egalaj, sed en la praktiko la dominado de la angla konstante kreskis. Dum mia tempo en la Komisiono ĉiam kreskis la uzado de la angla, kaj malkreskis la franca. Tamen la finna Ĝenerala Direktoro, Lonnröth, kiam oni plendis ke nur 14% da dokumentoj estas tradukitaj de la franca, respondis ke estas ankoraŭ tro, ĉar franclingvanoj estas nur 12% de la civitanoj de EU! Li konsideris la anglan

la "lingua franca", kaj por li estas normale ke pli ol 90% da dokumentoj estu tradukitaj de la angla!

4. Migrantaj kaj neteritoriaj lingvoj en EU

– problemoj kiu fariĝas pli kaj pli grava kun la kresko de migrantoj al la EU-landaro. Migrantoj alvenas al unu eŭropa lando, kun unu lingvo, sed ofte pluraj al alia. Ĉar multaj jam iom studis la anglan, ili ofte volas iri al anglalingva lando, kiel Britio aŭ Irlando. Venis tiom da migrantoj al Britio ke tio fariĝis unu el la ĉefaj kialoj por la Briteliro el EU. Kun la monda dominado de la angla ankaŭ venas malavantaĝoj.

5. Lingva politiko kaj oficiala EU-statuso – Ĉi tiu ĉapitro ekzamenas la streĉiĝon inter unueco kaj diverseco, kiu estas karakterizaĵo de la Eŭropa Unio: lingvopolitiko restas ekskluzive nacia kompetenteco, do la EU-institucioj povas fari nur rekomendojn, kiujn ĉiu membroŝtato rajtas ignori. Alia aspekto pridiskutata estas la kontraŭdiro inter la ofte ripetata propagando ke "ĉiuj parolas la anglan" kaj la realeco havi pli ol 2,500 tradukistojn, kiuj tradukas la tutan EU-leĝaron al 24 oficialaj EU-lingvoj. Se ĉiuj



parolas la anglan, kial elspezi miliardojn por tradukoj?

6. Irlando kaj plurlingvismo en post-Britelira

EU - ĉefe koncernas la malfacilon konvinki irlandajn diplomatojn lerni aliajn lingvojn kiam ĉiuj diplomatoj ĉie en la mondo povas paroli angle. Ankaŭ pri la bonaj efikoj de EU membreco al la plifortigo de la irlanda lingvo.

Konkludoj kaj rekomendoj, - tre mallongaj, oni rekomendas multe pli da politika graveco por lingva politiko ĝenerale en EU; restarigon de unuo en la Eŭropa Komisiono kiu okupiĝos profesie pri lingva politiko; konsideron objektivan pri ebla rolo por neŭtrala lingvo kiel Esperanto; kaj multe pli gravan politikan rolon por la plurlingveco kaj la lingvaj kaj kulturaj rajtoj de ĉiu civitano en la EU-landaro.

Tiu verko estas bedaŭrinde en la angla, sed profesoro Leal jam trovis eldonejon por germana traduko, kaj la aŭtoroj ŝatus publikigi ĝin en pluraj EU-lingvoj, aparte en la franca.

Kvankam multaj homoj en ĉiuj EU-landoj povas legi la anglan, nur 1% de la loĝantaro de EU estas denaskaj anglalingvanoj post la Briteliro. Estas do pli ol iam necese komuniki kun EU-civitanoj en siaj propraj lingvoj, tiel apogante multlingvismon praktike kaj ne nur teorie.

Mi estas irlandano, kaj kiel ĉiuj irlandanoj, profitas persone de la internacia dominado de la angla lingvo. Do, kial mi dum la tuta vivo tiom forte kontraŭas tiun dominadon, kaj fakte la dominadon de iu ajn nacia lingvo?

Mi estas diplomato, kiu havis la privilegion reprezenti Irlandon en ses landoj kaj ĉe diversaj internaciaj organizaĵoj. Mia doktoraĵo, de la Universitato de la Triunio, Dublino, estas pri lingvoplanado en Irlando kaj Kebekio. Mi atingis fluecon en ok lingvoj, scipovas legi aliajn kvin, kaj lingvopolitiko kaj planado estis unu el la ĉefaj pasioj de mia vivo. En 2007-2015 mi estris la novnaskitan irlandlingvan retradukan sekcion en la Eŭropa Komisiono, kaj mi respondecis pri la irlanda, franca kaj germana sekcioj de la retejo de la irlanda prezidanteco

de la Konsilio de EU en 2013. Mia edzino estas francino kaj ni parolas la francan kune. Miaj du plenkreskaj filinoj estas denaskaj parolantoj de la irlanda (kaj la franca). Nuntempe mi laboras kiel la unua Direktoro pri Multlingvismo ĉe la irlanda Ministerio pri Eksteraj Aferoj, kun misio instigi ĉiujn irlandajn diplomaciajn kolegojn lerni kaj uzi aliajn lingvojn.

Kio estis la origino de tiu pasio por lingvoj kaj lingvopolitiko? Mi kreskis en Tipperary, en la sudo de Irlando, en areo kiu perdis la irlandan lingvon ene de vivanta memoro. Mia patro, kiu ne parolis irlande, memoris sian avon, kiu estis denaska parolanto. La irlanda, foje malĝuste referita kiel la gaela, estas same malproksima de la angla kiel la persa de la germana. Mia patro parolis nur la anglan, sed ĝi estis angla kun multaj irlandaj vortoj, pli ol 400, kaj pli grave, irlandaj sintakso kaj fonologio. Frekventante bazlernejon, aliaj lernantoj kaj mi estis fizike punitaj ĉar nia angla estis konsiderata "tro irlanda."

La supervivo de la irlanda dum 7 jarcentoj da eksterlanda okupado, kaj la konstantaj provoj de la kolonia administracio subpremi ĝin, estis por mi plia instigo studi ĝin. La unuaj leĝoj kontraŭ la uzo de la irlanda, la Statutoj de Kilkenny de 1366, celis malhelpi la asimiladon de la angla kolonio en Irlando al irlanda kulturo. Tiel malsukcesaj estis tiuj leĝoj, ke en 1541, kiam la angla reĝo Henriko la 8-a decidis nomumi sin reĝo de Irlando, la oficiala proklamo devis esti tradukita irlanden por esti komprenata de la angla kolonia parlamento en Dublino. La irlanda restis la plimulta lingvo ĝis la Granda Malsatego meze de la 19-a jarcento, kiam la brita registaro lasis preskaŭ 2 milionojn irlandanojn morti pro malsato.

Kvardek jaroj poste, la movado starigita por konservi la irlandan lingvon estis unu el la ĉefaj faktoroj kondukantaj al irlanda politika sendependeco en 1922. Eĉ ne-irlandlingvanoj kiel mia patro estis fiera vidi siajn infanojn paroli irlande kune - en liaj vortoj, "ĝi estas fina pruvo, ke la konkero fiaskis."



سخنرانی دکتر شون اُریائین Seán Ó Riain در یازدهمین همایش اسپرانتوی ایران (IrEK-11)، در ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۳ (۴ می ۲۰۲۴)



دکتر شون اُریائین دیپلمات و زبان شناس ایرلندی است. وی در حال حاضر مسئول ترویج چندزبانگی در وزارت امور خارجه ایرلند است. او سابقه‌ی بیش از ۴۰ سال خدمت دیپلماتیک، در بروکسل در ارتباط با اتحادیه‌ی اروپا، آلمان، لهستان، آرژانتین، استرالیا، و اتریش را دارد. در سال ۲۰۲۰ او کاردار سفارت اتریش نیز بود. از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۵ او کارشناس ملی در کمیسیون اروپا در بروکسل بود. او موفق به دریافت دکترای خود از کالج تربیتی در دوبلین با پایان نامه‌ی «برنامه‌ریزی زبانی در ایرلند و کبک ۱۹۱۹-۱۹۸۵» شد.

مخالفت شدید دیپلمات ایرلندی

با سلطه زبان انگلیسی

معرفی کتاب جدید «سیاست‌گذاری زبانی و آینده‌ی اروپا»
از انتشارات روتلیج (Routledge) در سال ۲۰۲۳

اثر همچنین حاوی اطلاعات زیادی در مورد اسپرانتو، به ویژه درباره‌ی «شتاب‌دهنده چندزبانه» (Multlingva Akcelilo) است، که استفاده از دوره‌های آموزشی کوتاه اسپرانتو برای بهبود یادگیری زبان به طور کلی است.

خانم پروفیسور آلیس لیل زبان‌شناسی برزیلی و متخصص ترجمه است و در دانشگاه‌های وین اتریش و ژوهانسبورگ آفریقای جنوبی کار می‌کند. او از گویش‌وران زبان اسپرانتو نیست، اما از مدت‌ها قبل آن را به خوبی درک می‌کند و از اهداف مرتبط با عدالت زبانی ما اسپرانتودانان حمایت می‌کند. در سال ۲۰۲۱،

دوستان عزیز،

بار دیگر بسیار خوشحالم که در همایش اسپرانتوی ایران سخنرانی می‌کنم و از احمد (ممدوحی) برای دعوت صمیمانه‌اش تشکر می‌کنم.

امروز می‌خواهم کتاب جدیدی به نام «سیاست‌گذاری زبانی و آینده‌ی اروپا» را که تابستان گذشته منتشر شد، به شما معرفی کنم. این اثر که توسط خانم پروفیسور آلیس لیل و من نوشته شده است، به‌شدت از چندزبانگی در اروپا حمایت می‌کند و با تسلط روزافزون زبان انگلیسی مخالفت می‌کند. این

کتاب او تحت عنوان «انگلیسی و ترجمه در اتحادیه‌ی اروپا» قویاً برای اقدامات عملی اتحادیه‌ی اروپا برای دفاع از چندزبانگی در برابر تهاجم مداوم و رو به رشد زبان انگلیسی به استدلال پرداخت.

کتاب جدید «سیاست‌گذاری زبانی و آینده‌ی اروپا» در ژوئیه سال گذشته در سمپوزیوم نیتوبه Nitobe در شهر تورین ایتالیا معرفی شد و به لطف سخاوتمندانه‌ی حامی ژاپنی ما، آقای اتسوئو میوشی، ۶۰ نسخه از آن در ماه آوریل برای تصمیم‌گیرندگان کلیدی در دولت‌های فرانسه، آلمان و لهستان و همچنین نهادهای گوناگون اتحادیه‌ی اروپا در بروکسل ارسال شد. این کتاب شامل ۱۷۰ صفحه است و در ۶ فصل انتشار یافته است، که عنوان آنها عبارتند از:

۱. منشور اروپا برای زبان‌های منطقه‌ای یا اقلیت

من به مدت ۲ سال نماینده‌ی دولت ایرلند در کنفرانس بین‌دولتی شورای اروپا بودم که ابزاری را برای دفاع از حقوق این‌گونه زبان‌ها آماده کرد و این کتاب حاوی تجربیات شخصی من است در طول تهیه‌ی آن منشور. در آن کار، بزرگترین وظیفه‌ی ما این بود که اطمینان حاصل کنیم که سند ما به عنوان یک کنوانسیون الزام‌آور قانونی تلقی شود و نه یک «توصیه» که به سرعت فراموش می‌شود. خوشبختانه ما در این امر موفق شدیم و کنوانسیون جدید در تاریخ ۵ نوامبر ۱۹۹۲ برای امضاء شدن باز شد. اگرچه ۳ کشور فرانسه، یونان و ترکیه طرفدار این کنوانسیون نبودند، اما در نهایت تنها یونان رای منفی داد و حتی یونان نیز مانع از ایجاد این کنوانسیون جدید نشد، اگرچه می‌توانست این کار را انجام

دهد. تاکنون ۲۵ کشور این منشور را تصویب کرده‌اند و ۹ کشور دیگر آن را امضا کرده‌اند اما هنوز تصویب نکرده‌اند.

۲. وضعیت چندزبانگی در کمیسیون اروپا

من به مدت ۸ سال به عنوان یک به اصطلاح «کارشناس ملی امانتی» در این کمیسیون کار کردم. سرویس دیپلماتیک ایرلند من را به عنوان مشاور در زمینه‌ی سیاست‌گذاری زبانی و همچنین به عنوان رئیس سرویس ترجمه‌ی ایرلندی برای وبسایت رسمی کمیسیون، به کمیسیون اروپا قرض داد. در آن زمان توانستم با چشمان خود ناآگاهی زیاد موجود در مورد اسپرانتو در این کمیسیون را ببینم، و همچنین شاهد تلاش زیادی برای کنار گذاشتن کلیه‌ی فعالیت‌های مربوط به سیاست‌های زبانی و فقط تمرکز یافتن بر ترجمه بین ۲۴ زبان رسمی EU (اتحادیه‌ی اوپا) باشم. بیش از ۲۵۰۰ مترجم در این

کمیسیون کار می‌کنند که احتمالاً بزرگترین سرویس ترجمه در جهان است.

۳. کمیسیون اروپا و انگلیسی به عنوان «لینگوا فرانکا» یا «زبان مشترک»

از نظر تئوری تمامی ۲۴ زبان رسمی اتحادیه‌ی اروپا با یک‌دیگر برابر هستند، اما در عمل تسلط انگلیسی به طور پیوسته در حال افزایش بوده است. در طول مدت زمان فعالیت من در این کمیسیون، استفاده از زبان انگلیسی همیشه افزایش یافته است و استفاده از زبان فرانسه کاهش پیدا کرده است. با این حال، دبیر کل فنلاندی این کمیسیون، آقای لونروث Lonnröth، زمانی که شکایت شد که تنها ۱۴٪ از اسناد به زبان فرانسوی ترجمه شده است، پاسخ داد که این رقم زیاد هم است، زیرا فرانسوی‌زبانان تنها ۱۲٪ از شهروندان اتحادیه‌ی اروپا را تشکیل می‌دهند! او انگلیسی را «لینگوا فرانکا» یا زبان مشترک می‌دانست و برایش طبیعی است که بیش از ۹۰ درصد مدارک به انگلیسی ترجمه شود!

۴. زبان‌های مهاجران و غیرسرزمینی در اتحادیه‌ی اروپا

مشکلی که با افزایش مهاجران به کشورهای اتحادیه‌ی اروپا اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. مهاجران با یک زبان خاص به یک کشور اروپایی می‌رسند، اما اغلب به کشور دیگری می‌روند. از آنجایی که بسیاری از آنها قبلاً کمی زبان انگلیسی خوانده‌اند، اغلب می‌خواهند به یک کشور انگلیسی‌زبان مانند بریتانیای کبیر یا ایرلند بروند. مهاجران زیادی به بریتانیا آمدند که این خود یکی از دلایل اصلی خروج بریتانیا از اتحادیه‌ی اروپا شد. تسلط جهانی



زبان انگلیسی، معایبی نیز برای بریتانیا به همراه آورده است.

۵. سیاست زبانی و وضعیت رسمی اتحادیه‌ی اروپا

این فصل کتاب چالش یا تنش بین وحدت و تنوع را که مشخصه‌ی اتحادیه‌ی اروپا است بررسی می‌کند: سیاست زبانی هر کشور منحصراً در اختیار مسئولین آن کشور است، بنابراین نهادهای اتحادیه‌ی اروپا فقط می‌توانند توصیه‌هایی ارائه دهند که هر کشور عضو، حق دارد آنها را نادیده بگیرد. جنبه‌ی دیگری که مورد بحث قرار گرفته، تضاد بین تبلیغات مکرر مبنی بر اینکه «همه‌ی دنیا به انگلیسی صحبت می‌کنند» و واقعیت وجود بیش از ۲۵۰۰ مترجم است که مدام در حال ترجمه‌ی تمامی قوانین اتحادیه‌ی اروپا به ۲۴ زبان رسمی آن هستند: اگر «همه‌ی دنیا به انگلیسی صحبت می‌کنند»، چرا میلیارد‌ها یورو برای انجام دادن این ترجمه‌ها هزینه می‌شود؟

زبانی در ایرلند و کبک است. من به هشت زبان تسلط دارم، و قادر به خواندن پنج زبان دیگر نیز هستم و سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی زبانی یکی از علایق اصلی زندگی من بوده است. در بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۵ من سرپرست بخش نوپای ترجمه‌ی آنلاین زبان ایرلندی در کمیسیون اروپا بودم و همچنین مسئولیت بخش‌های ایرلندی، فرانسوی و آلمانی وب‌سایت رئیس‌جمهور ایرلند را در شورای اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۳ بر عهده داشتم. همسر فرانسوی است و ما با هم به فرانسوی صحبت می‌کنیم. دو دختر بزرگ من به زبان مادری ایرلندی (و فرانسوی) صحبت می‌کنند. من در حال حاضر به عنوان اولین مدیر چندزبانگی در وزارت امور خارجه ایرلند با مأموریت ترغیب همهی همکاران دیپلماتیک ایرلندی به یادگیری و استفاده از زبان‌های دیگر کار می‌کنم.

منشاء این اشتیاق من به زبان و سیاست‌گذاری زبانی چه بوده است؟ من در تپیراری Tipperary، در جنوب ایرلند، در منطقه‌ای بزرگ شدم که زبان ایرلندی را در حافظه‌ی زنده‌ی خود از دست داده است. پدرم که ایرلندی بلد نبود به یاد داشت که زبان مادری پدربزرگش ایرلندی بود. زبان ایرلندی که گاهی به اشتباه به آن گالیک نیز می‌گویند، به همان اندازه از انگلیسی فاصله دارد که زبان فارسی از آلمانی. پدرم فقط به انگلیسی صحبت می‌کرد، اما انگلیسی او همراه با کلمات ایرلندی زیادی بود، بیش از ۴۰۰ کلمه، و مهمتر از آن، نحو و واج‌شناسی ایرلندی نیز در انگلیسی او مشهود بود. در زمان تحصیل در دبستان، من و دانش‌آموزان دیگر تنبیه بدنی می‌شدیم زیرا انگلیسی ما «بیش از حد ایرلندی» به نظر می‌رسید.

بقای زبان ایرلندی پس از ۷ قرن اشغال توسط خارجی‌ها، و تلاش مداوم دولت استعمارگر برای سرکوب آن، برای من انگیزه‌ای مضاعف برای مطالعه و یادگیری آن بود. اولین قوانین علیه استفاده از زبان ایرلندی، اساسنامه کیلکنی در سال ۱۳۶۶، با هدف جلوگیری از جذب شدن کولونی انگلیسی‌های ساکن در ایرلند، به فرهنگ ایرلندی بود. این قوانین به حدی ناموفق بودند که در سال ۱۵۴۱، هنگامی که پادشاه انگلستان، هنری هشتم، تصمیم گرفت خود را پادشاه ایرلند منصوب کند، اعلامیه‌ی رسمی آن باید به ایرلندی ترجمه می‌شد تا توسط اعضای پارلمان انگلیس در دوبلین درک شود. زبان ایرلندی تا دوران «قحطی بزرگ» در اواسط قرن نوزدهم زبان اکثریت باقی ماند، زمانی که دولت بریتانیا اجازه داد نزدیک به ۲ میلیون ایرلندی از گرسنگی بمیرند.

چهل سال بعد، جنبشی که برای حفظ زبان ایرلندی ایجاد شد، یکی از عوامل اصلی استقلال سیاسی ایرلند در سال ۱۹۲۲ بود. حتی غیرایرلندی‌زبان‌هایی مانند پدر من از دیدن اینکه فرزندان‌شان با هم ایرلندی صحبت می‌کنند، افتخار می‌کردند - به قول او، «این امر گواه نهایی این واقعیت است، که فتح (ایرلند) شکست خورده است.»

۶. ایرلند و چندزبانگی در اتحادیه اروپای پسابریگزیت (پس از خروج انگلستان)

این فصل کتاب عمدتاً به مشکل متقاعد کردن دیپلمات‌های ایرلندی برای یادگیری زبان‌های دیگر مربوط می‌شود، درحالی که همهی دیپلمات‌های دنیا می‌توانند به زبان انگلیسی صحبت کنند. همچنین در مورد تأثیرات خوب عضویت ایرلند در اتحادیه‌ی اروپا برای تقویت زبان ایرلندی.

نتیجه‌گیری و توصیه‌ها

به طور بسیار خلاصه در این کتاب موارد زیر توصیه شده است:

- قائل شدن اهمیت سیاسی بسیار بیشتری برای سیاست زبانی به طور کلی در اتحادیه‌ی اروپا
- ایجاد یک واحد ویژه در کمیسیون اروپا که به طور حرفه‌ای به سیاست زبانی بپردازد.

- در نظر گرفتن عینی نقش احتمالی زبان بی‌طرفی مانند اسپرانتو

- آفرینش نقش سیاسی بسیار مهمتری برای چندزبانگی و حقوق زبانی و فرهنگی هر شهروند در کشورهای اتحادیه‌ی اروپا این کتاب متأسفانه به زبان انگلیسی است، اما خانم پروفیسور لیل ناشری را برای انتشار ترجمه‌ی آلمانی آن پیدا کرده است و نویسندگان این کتاب مایلند آن را به چندین زبان اتحادیه‌ی اروپا، به ویژه به زبان فرانسوی، منتشر کنند.

اگرچه بسیاری از مردم در همه کشورهای اتحادیه اروپا می‌توانند انگلیسی را بخوانند، اما تنها ۱٪ از جمعیت اتحادیه‌ی اروپا پس از بیرون رفتن انگلستان از آن، انگلیسی‌زبان هستند. بنابراین اکنون بیش از هر زمان دیگری ضروری است که با شهروندان اتحادیه‌ی اروپا به زبان خودشان ارتباط برقرار شود؛ در نتیجه، از چندزبانگی باید در عمل، و نه تنها در تئوری، حمایت شود.

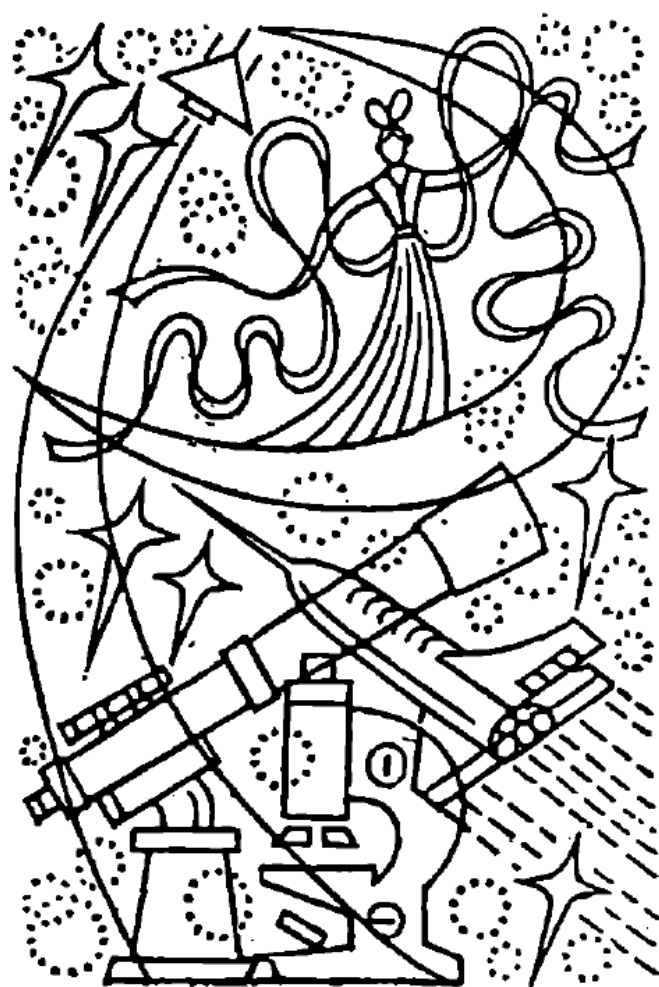
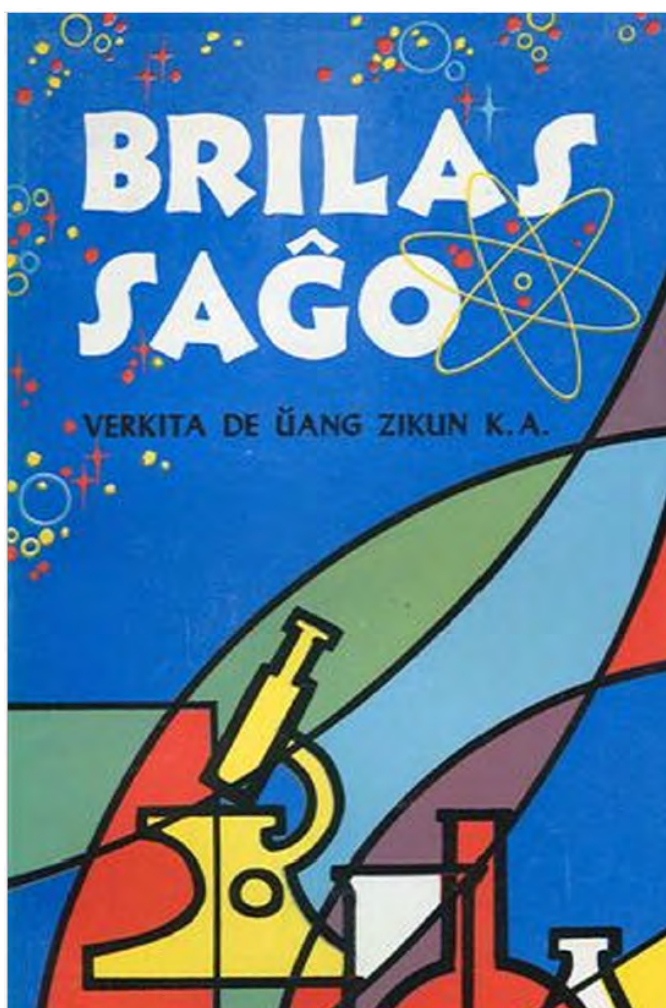


من ایرلندی هستم و مانند همهی مردم ایرلند، شخصاً از تسلط بین‌المللی زبان انگلیسی بهره می‌برم. پس چرا به شدت مخالف سلطه‌ی زبان انگلیسی، و در واقع تسلط یافتن هر زبان ملی دیگر (بر جهان)، هستم؟

من دیپلماتی هستم که از امتیاز نمایندگی ایرلند در شش کشور و سازمان‌های بین‌المللی مختلف و متعددی برخوردار بوده‌ام. دکترای من، از کالج ترینیتی، دوبلین، در زمینه‌ی برنامه‌ریزی

درس عبرتی برای غافلان

نوشته: وانگ زیکون*
برگردان از کتاب «حکمت می درخشد»
ترجمه: حمزه شفيعی



قرض می‌گرفت من از او تقاضا می‌کردم که فقط ۳ یوان برگرداند. به همین ترتیب، من ۳,۹ یوان از شیائو لی قرض گرفتم و فقط ۳ یوان به او پس دادم. او به من غر نمی‌زد. واقعاً این شخصیت من بود! هیچ کاری برای تغییر آن نمی‌شد انجام داد. اما در سال گذشته

من آدم فضولی بودم. هرگز به چیزهای کوچک توجه نمی‌کردم و فقط به چیزهای بزرگ علاقه داشتم. من فکر می‌کردم اعداد بعد از نقطه اعشار خیلی آزاردهنده هستند و همیشه آنها را نادیده می‌گرفتم. به نظر من عدد π برابر ۳ بود، نه ۳,۱۴... اگر یکی از من ۳,۱ یوان

*نویسنده، متولد ۱۹۳۰، استاد و رئیس دانشگاه تربیت معلم پکن.

چیزی من را ناراحت کرد. من یک بلیط قطار خریدم که نشان می‌داد قطار ساعت ۱۳:۲۵ حرکت می‌کند. طبق معمول ۲۵ دقیقه را رد کردم. اوه وای! وقتی با آرامش به ایستگاه راه‌آهن رسیدم، قطار خیلی وقت بود که رفته بود. عصبانی شدم و بعد فهمیدم که ۱۳ را معادل ۳ بعد از ظهر گرفتم. فراموش کرده بودم که سیستم زمانی بر مبنای دوازده است نه اعشاری. در واقع ظهر را معادل ۱۰ در نظر گرفته بودم و سه ساعت بعد از آن می‌شد ۳ بعد از ظهر، در حالی که بلیطم برای ساعت ۱:۲۵ بعد از ظهر بود. از آن زمان من توجه زیادی را به سیستم‌های اعداد معطوف کردم. این به من در یادگیری کامپیوتر کمک زیادی کرد. محاسبات کامپیوتری بر مبنای اعداد باینری است، به عنوان مثال عدد ۵ در مبنای دهدهی، در مبنای دو به این شکل نمایش داده می‌شود:

$$5_{10} = (1 \times 2^2) + (0 \times 2^1) + (1 \times 2^0) = 101_2$$

بنابراین، در سیستم اعداد دودویی، ۵ باید به عنوان ۱۰۱، و به طور مشابه ۶ به عنوان ۱۱۰ و ۸ به عنوان ۱۰۰۰ به خاطر سپرده شود.

گاهی شیائو لی از من می‌پرسید: "اگر کسی در طول خط استوا در سراسر جهان قدم بزند، آیا سر و پاهایش به همان اندازه حرکت کرده‌اند؟" بدون فکر پاسخ دادم: «بله، البته. مگر سر و پاها جدا حرکت می‌کنند؟» سرش را تکان داد و گفت: «پس بیا شرط ببندیم! هر که خطا کرد، مثل لاک‌پشت روی زمین بخزد.» وی ادامه داد: «اگر آن شخص a متر قد داشته باشد و خط استوا که به صورت دایره دیده می‌شود، شعاع d متر داشته باشد، سر او $2\pi(d+a)$ متر و پاهایش $2\pi d$ متر حرکت می‌کند، بنابراین سرش به اندازه $2\pi a$ مسافت بیشتری را طی کرده است.»

شیائو لی درست می‌گفت و من باید اشتباهم را می‌پذیرفتم. وی افزود که این تفاوت به دلیل شعاع کره زمین نیست. اگر کسی به دور ماه هم بچرخد، این میزان تفاوت ثابت می‌ماند. این مرا به یاد مسابقات دومیدانی انداخت. تفاوت بین دایره‌های داخلی و خارجی یک پیست مسابقه ثابت است و تغییر نمی‌کند، حتی اگر دایره درونی طولانی‌تر شود.

این موارد درگیری با مشکل بی‌توجهی‌ام به اعداد و ریاضیات، باعث شد متوجه شوم که باید با بی‌دقتی خود خداحافظی کنم. کم‌کم به ریاضیات توجه کردم و به آن علاقه‌مند شدم. سخت‌کوشی مرا ناامید نکرد. در هر مطالعه چیز جدیدی پیدا کردم. در تحقیقات علمی قبل از هر چیز باید سوالاتی را مطرح کرد. گالیله اولین کسی بود که سرعت نور را محاسبه کرد و کانت به بررسی منشأ اجرام آسمانی پرداخت. هر دو توسعه علوم را تسریع کردند. آنها چگونه بودند؟ من شبیه چه‌ام؟ همه افراد امیدوارکننده باید همان باشند که هستند. پس چرا من از آنها یاد نمی‌گیرم؟ هندسه به ما می‌گوید که دو مثلث مساوی هستند اگر تمام ضلع‌های متناظر آنها یکسان باشد... از خودم پرسیدم آیا در شرایط یکسان دو چهارضلعی مساوی وجود دارد؟ نقاشی‌هایی کشیدم که جواب منفی داد. بنابراین چه شرایط اضافی مورد نیاز است؟ تمام شب را با هیجان بیدار ماندم و بالاخره یک جواب درست پیدا کردم. دو چهارضلعی A و B داریم. اگر هر یک از زوایای داخلی آنها کمتر از 180° درجه باشد و چهار ضلع و یک قطر A برابر اضلاع و قطر مربوط به B باشد، آنگاه چهارضلعی A کاملاً برابر با B است. اما من در مطالعه خود متوقف نشدم و شروع به مطالعه کردم. پنج‌ضلعی، شش‌ضلعی و غیره.

من خیلی خوشحال بودم. این واقعاً یک چیز کوچک بود، اما برای من یک کشف بزرگ بود. این نقطه شروع جدید من بود. پیش از این، تمرینات در مدرسه از پیش تعریف شده و پاسخ‌ها اعلام شده بود. اما این بار نه. من خودم سوال پرسیدم و به دنبال پاسخ بودم، بنابراین سوال و پاسخ برای من تازگی داشت. عزیزترین دستاورد در تحقیقات علمی ایجاد چیزی جدید است و از این نظر اکنون برای اولین بار از موفقیت برخوردار شده‌ام.

شیائو لی که در شادی من شرکت می‌کرد، به من گفت:

«به نظر شما π هنوز برابر با ۳ است؟»

«نه! برابر است با:

۳,۱۴۱۵۹۲۶۵۳۵۸۹۷۹۳۲۳۸۴۶۲۶۴۳۳...

جنگل حوضه کنگو، گنجی شکننده

قلب سبز آفریقای مرکزی، یکی از بزرگترین مخازن کربن دنیاست. این گنج طبیعی و بسیار لازم برای آینده کره زمین، در خطر و تهدید نابودی قرار دارد. در جمهوری دموکراتیک کنگو، شهروندان و مراکز مختلفی برای جلوگیری از جنگل‌زدایی این منطقه حیاتی، تلاش می‌کنند.

© Coralie Pierret



مقدمه مترجم:

در حالی که در خبرهای داخلی می‌خوانیم که «دوباره آتش از تنگه‌ای به سمت بهیجان شعله‌ور شده و در حال پیشروی است، تا کنون یکی از نیروهای اطفای حریق کشته و ۳ نفر مجروح شده‌اند. برای مهار آتش نیاز به بالگرد آب‌پاش دارند ولی تا کنون تعدادی از نیروهای مردمی برای خاموش کردن آتش حضور داشتند.» خبرهایی که از آتش‌سوزی‌های تکرار شونده در جنگل‌ها و منابع جبران‌ناپذیر طبیعی خبر می‌دهند و همزمان دل دوستداران طبیعت و جنگل را به آتش می‌کشند، بد نیست ببینیم در برخی نقاط دیگر دنیا چه می‌گذرد

الاسی رمضانی گیاه‌شناس مرکز تحقیقات یانگامبی است. مجموعه گیاهی او، بزرگترین مجموعه در آفریقای مرکزی و دارای نمونه‌هایی از تقریباً ۴۰ درصد پوشش گیاهی کشور است.

آموزان می‌توانند در آن، چگونگی بازسازی پوشش گیاهی را مشاهده کنند.

این بخشی از چالش جهانی بازیابی و حفظ این گنجینه طبیعی است که برای حفظ منطقه، بسیار لازم است. این منطقه جنگلی که از طریق گابن، جمهوری دموکراتیک کنگو، جمهوری آفریقای مرکزی، گینه استوایی و کامرون، گسترش می‌یابد، معادل ده سال انتشار دی‌اکسید کربن (CO2) جهان را نشان می‌دهد. در جمهوری دموکراتیک کنگو، جنگل‌ها حدود ۶۰ درصد سطح زمین را پوشش می‌دهند. در استان Tshopo، جایی که دانشگاه واقع

پیش از این، ساختمان‌های قدیمی دانشگاه کین‌شازا در جمهوری دموکراتیک کنگو (DRC) به مطالعه علوم زیست‌محیطی، اختصاص نداشت. تا دهه ۱۹۷۰ ساختمان‌های آجری قرمز فرسوده آن، انبار تنباکو بودند. اولین بوته‌های گیاه، به وسیله زیست‌شناس لهستانی در محوطه کارخانه سابق، کاشته شدند؛ او گیاهان را از سراسر جهان جمع‌آوری کرده و آنها را در اینجا پیوند زد. پروفیسور پیونوس کاتوالا که در میان انبوه درختان پنجاه‌ساله کنونی، بسیار کوچک به نظر می‌رسد، این ماجرا و تاریخچه را برایمان توضیح می‌دهد؛ این محل که امروزه به باغ گیاه‌شناسی تبدیل شده، نمونه واقعی از حوضه کنگو و جنگلی‌ست که دانش



برج جریان هوا در ذخیره‌گاه زیستی یانگامبی (DRK) داده‌ها را جمع‌آوری می‌کند تا درک بهتری از روش به دست آوردن کربن به دست آید.

است. امیل بولی بونگوسو می‌گوید: "ما گونه‌های گیاهی مورد استفاده روزانه را انتخاب کردیم. اینجا هدف ما نشان دادن اهمیت درختان به کودکان است.

در این منطقه، روستاییان برای به دست آوردن حق مالکیت قطعه‌ای از جنگل، با مقامات محلی، مبارزه می‌کنند؛ برای انجام این کار نخستین گام، تضمین حق زمین است. جامعه باید به دنبال مجوز باشد تا دولت، مالک قانونی جنگل شود. فرآیندی است خسته‌کننده، اما از ۲۰۱۹ شروع شده است. هدف هنوز استفاده از جنگل است، اما استفاده پایدار."

چالش دیگر این موسسه، مخالفت با تولید مگله معروف، به معنی ذغال (به زبان محلی) است. ولدا رویز، می‌گوید: "تا چند سال پیش، چوبی که برای تهیه ذغال استفاده می‌شد، در نزدیکی روستاها موجود بود. حالا باید پنج، گاهی اوقات هفت کیلومتر، طی کنی تا به آن دسترسی پیدا کنی."

ورج مومبره، محقق موسسه CIFOR می‌گوید در کشوری که کمتر از ۱۰ درصد جمعیت به برق دسترسی دارند، استفاده از هیزم، عمدتاً برای پخت‌وپز، مهم است. موسسه CIFOR (مرکز جهانی تحقیقات جنگل‌کاری) هیچ برنامه‌ای برای مداخله در زندگی انسان ندارد، بلکه آنها را به کاشت درخت یا استفاده از روش‌های کربن‌سازی بهبود یافته برای صرفه‌جویی در مصرف مواد خام، تشویق می‌کند.

شده، برخی گونه‌های جنگلی با قدمت هزار ساله، وجود دارند. اگر می‌خواهیم آن را حفظ کنیم، باید به مردم بیاموزیم چگونه از آن استفاده کنند بدون اینکه آن را کاملاً از بین ببرند. هر سال ۲۵ تا ۳۰ جوان، در رشته "مدیریت منابع طبیعی تجدیدپذیر" فارغ‌التحصیل می‌شوند. اما برای اعضای دانشکده، زمان رو به اتمام است؛ تا سال ۲۰۲۰، ۴۹۱ هزار هکتار از جنگل‌های اولیه از بین خواهد رفت. علت این فرسودگی، کشاورزی، توسعه زیرساخت‌ها، تراکم جمعیت و سرعت بخشیدن به جنگل‌زدایی است.

Jean Akaluk، رئیس جامعه Turumb، یکی از چندین مجموعه‌ای که در این حوضه زندگی می‌کنند، می‌گوید:

"سوپرمارکت ما؟ جنگل است! آی‌تی ما؟ جنگل است! این تنها وسیله ما برای ادامه زندگی است." تا سال ۲۰۵۰، تعداد ساکنان این منطقه، دو برابر و به تقریباً ۳۷۰ میلیون خواهد رسید.

در سواحل باشکوه رودخانه کنگو، حدود صد کیلومتر دورتر از Kisangani، Ikongo Romain یکی از چند روستایی که آگاهی‌های زیست محیطی از سنین پایین، به آن‌ها آموزش داده می‌شود قرار دارد؛ دانش آموزان جلوی کلاس‌هایشان، ترانه مورد علاقه خود به نام "Baté la zamba" را می‌خوانند که در زبان لینگالا (یکی از زبان‌های محلی) به معنای "حفاظت کردن از جنگل" است. در مهد کودک مدرسه، ۵۰ درخت نارگیل پیوند زده شده

ابتکارهای جدا از هم

برای معکوس کردن روند جنگل زدایی و مبارزه با آن، مکانیزم‌هایی راه‌اندازی شده‌اند که برای تاثیرگذاری جهانی، هنوز بسیار کم هستند؛ مانند RESD (کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای ناشی از جنگل زدایی و تخریب جنگل) که به کشورهایی که ارزیابی کربن ذخیره شده در جنگل‌ها را انجام می‌دهند، وعده اهدای پاداش می‌دهد. در DRC، برخی افراد ماجراجویی به نام فروش «وام

کربن» را آغاز کرده‌اند؛ آنها در بازار آزاد، به شرکت‌ها، موسسات یا افرادی که می‌خواهند انتشار CO2 خود را جبران کنند، اعتبار کربن، می‌فروشند.

در Yafunga، مکانی در استان Tshop، افرادی هنوز منتظر دریافت مزایای وعده داده شده به وسیله Jadoro هستند. سال ۲۰۰۹ مدیران شرکت موفق شدند آنها را متقاعد کنند تا جنگل زدایی را متوقف کنند. تقریباً ۷۸۰۰۰۰ اعتبار کربن، به ویژه به شرکت هوانوردی دلتا و شرکت ایتالیایی انرژی انی فروخته شد. اما سود آنها به کندی رسید، در نتیجه اقدام قدیمی جنگل‌سوزی، که شامل سوزاندن یک منطقه جنگلی و ایجاد آتش سوزی برای کاشت آن است، زنده شد. یکی از معلمان می‌پرسد: «حفظ جنگل به چه دردمان خورد؟» این

تجربه، طعم تلخی در دهان مردم محلی که احساس می‌کردند زمینی که مال آنها بوده، دیگر متعلق به آنها نیست، باقی گذاشت و دیگر تمایلی به همکاری در این زمینه نداشتند.

در DRC، پرداخت غرامت یا جایگزین آن به جوامع محلی، اغلب قانع‌کننده نیست. در همین حال، دانشمندان، به انجام مطالعات عمیق‌تر جنگل حوضه کنگو ادامه می‌دهند. جنگلی که تمایل ندارد تمام اسرار خود را فاش کند، حتی مساحت آن قابل بحث است؛ بر اساس ارزیابی‌های گوناگون، بین ۱۸۰ تا ۲۳۰ میلیون هکتار را پوشش می‌دهد.

درک برای حفظ کردن

از سال ۲۰۲۰، مرکز تحقیقات یانگامبی، واقع در قلب جنگل حوضه کنگو، مجهز به برج جریان هوا شده است. برج برای به

دست آوردن درک بهتری از سهم جنگل‌های استوایی در کاهش تغییرات آب و هوایی به کار می‌رود. این برج به بلندی ۵۵ متر و درست بالای سر سایبان، داده‌ها را به منظور بررسی تبادل گازهای گلخانه‌ای بین جنگل و جو، در ساختمانی که از دوره استعمار به جا مانده، جمع‌آوری می‌کند. السی رضانی، گیاهان مختلف را در مجموعه گیاهی خود که بزرگترین مجموعه در آفریقای مرکزی است، برای چندین دهه حفظ کرده است.

ففسه پرونده‌های گیاهان، با دقت و به ترتیب حروف الفبا چیده شده‌اند. گیاه‌شناس این گونه بر نظر خود تاکید می‌کند: "این جایی است که ما خاطرات خود را پیدا می‌کنیم." تقریباً ۴۰ درصد پوشش گیاهی کنگو را می‌توان در اینجا یافت. ولی زمان، رو به اتمام است "خطر قریب‌الوقوع از بیرون نمی‌آید، بلکه از درون؛ اهالی کنگو"

چگونه سرعت تخریب را کاهش دهیم

السی رضانی می‌پرسد: "چند نفر یا چند درصد ما تخریب جنگل را کند می‌کنیم؟" DRK به دلیل وجود جنگل‌هایش که مخزن کربن به شمار می‌روند، خود را "کشور راه حل" معرفی کرده است. در سال ۲۰۲۱ ابتکار جنگلداری آفریقای مرکزی (CAAI) تعهد کرده است ۵۰۰ میلیون دلار به DRC بپردازد. اما فروش امتیاز نفت و گاز طبیعی در ژوئیه ۲۰۲۲ باعث نگرانی می‌شود، به ویژه به این دلیل که برخی از سایت‌های غنی از ذغال سنگ، در مرکز حوضه کنگو واقع شده‌اند. این تثبیت‌کننده ظریف کربن، به دلیل آشفتگی در اکوسیستم آن ممکن است رها شود.



منبع: پیام یونسکو جولای / سپتامبر ۲۰۲۳
ترجمه: نازی صولت

برای جهانی برای همه زبان‌ها و بدون تبعیض زبانی



ماده ۲ اعلامیه حقوق بشر به صراحت بیان می‌کند که «همه افراد می‌توانند به طور مساوی از کلیه حقوق و آزادی‌های تعریف شده در این اعلامیه، بدون هیچ‌گونه تمایزی، اعم از نژاد، رنگ پوست، جنسیت، زبان، مذهب، عقاید سیاسی یا هر عقیده دیگری، همچنین ملیت، وضعیت اجتماعی، ثروت، محل ولادت یا هر موقعیت دیگر، بهره‌مند شوند.»

این ماده به خودی خود به وضوح انکار حقوق زبانی بشر برای مردم، گروه‌ها، قومیت‌ها، جوامع کوچک، ضعیف و بی‌نفوذ سیاسی را محکوم نموده و ضرورت مبارزه با تبعیض زبانی را تأیید می‌کند

تبعیض زبانی چیست؟ این گونه تبعیض زمانی اتفاق می‌افتد که افرادی که قوی‌تر، پرنفوذتر، تحصیل کرده‌تر یا ثروتمندتر هستند، به زبان مادری خود با افرادی با زبان مادری متفاوت صحبت می‌کنند که سعی می‌کنند حرف ایشان را بفهمند و در صورت توانایی پاسخ دهند. تبعیض زبانی رفتاری ناعادلانه با افراد دیگر است که قدمتی همچون بردگی، کم ارزش شمردن زنان، کشتن ضعیفان بدون مجازات شدن، استثمار اقتصادی کشورهای ضعیف، نژادپرستی و اقدامات ناعادلانه مشابه دارد.

اما یک تفاوت در مورد این نوع تبعیض در مقایسه با سایر اشکال تبعیض وجود دارد: تبعیض زبانی اغلب توسط کسانی که این تبعیض را قائل می‌شوند و حتی کسانی که مورد تبعیض قرار می‌گیرند به رسمیت شناخته نمی‌شود.

راه حل ارائه شده توسط گویشوران زبان جهانی و بی طرف اسپرانتو شاید بیش از آن آینده‌نگرانه باشد که بتوان فوراً در مقیاس وسیع آن را به کار برد، اما ارزش آن را دارد که به آن توجه کنید، زیرا این زبانی است که ایجاد شده تا همه در جهان حق داشته باشند بدون فشار زبان‌های بزرگ به زبان خود صحبت کنند. اسپرانتو خلق شد تا همه زبان‌ها بتوانند وجود داشته باشند و گفت‌وگو بین گروه‌های با زبان‌های مختلف بدون تحمیل زبان یکی به دیگری بلکه به روشی برابر و بدون تبعیض انجام شود.

به مناسبت روز اسپرانتو امسال، در ۲۶ ژوئیه، از شما دعوت نمی‌کنیم که فقط یک زبان آسان یعنی اسپرانتو را یاد بگیرید، بلکه دعوت می‌کنیم تا متوجه شوید که تبعیض زبانی چیست، چه کسی آن را اعمال می‌کند و چگونه می‌توان از طریق ارتباط برابر بر آن غلبه کرد.

منبع:

<https://uea.org/gk/1172a1>

خود سازمان ملل، که تنها نقطه گفتگوی سیاره ماست، آنچه را که اعلامیه حقوق بشر به آن اشاره می‌کند، به طور کامل اعمال نمی‌کند: برابری همه برای درک کردن و درک شدن. این سازمان دارای تعدادی زبان اصلی به عنوان زبان رسمی است، اما در واقع تنها از چند زبان اصلی‌تر برای صحبت با جهان استفاده می‌کند. بنابراین، تمایل دارد فقط به آن بخش کوچکی از جهان گوش دهد که قادر است به آن زبان‌های اصلی پاسخ دهد. آیا این مؤثرترین راه برای بسیج شهروندان جهان برای دستیابی به راه حلی برای مشکلات مهم جهانی، به عنوان مثال اهداف توسعه پایدار، گفتگو در مورد آب و هوا یا جستجوی صلح است؟

برخی از سیاستمداران برجسته آفریقایی رابطه بین استفاده از زبان مادری و توسعه را به وضوح تصدیق کرده‌اند، مانند جولوس نایره و نلسون ماندلا که زمانی گفت: "اگر با شخصی به زبانی صحبت کنید که او می‌فهمد، با سر او صحبت می‌کنید. اما اگر به زبان مادری‌اش با او صحبت کنید، با قلبش صحبت می‌کنید."

و ما باید قلب‌ها را حول اهداف سازمان ملل متحد بسیج کنیم.

در روستای من

نویسندگان: مارسلین لوهکا و ایتین لوهکا

مترجم: معصومه صالحی



قبیله، سطح زندگی یا شرایط زندگی آنها بدرفتاری نکن، زیرا هرگز نمی‌دانی در آینده اوضاع چگونه خواهد بود.» در آن زمان من نمی‌فهمیدم که او چرا همیشه دوست داشت این جمله را مثل ضرب‌المثل تکرار کند.

وقتی ۲۰ ساله بودم، شورشیان به روستای ما حمله کردند. خانه‌ها را سوزاندند، پیر و جوان را کشتند و به زنان تجاوز کردند. یکی از آن شورشیان قمه‌ای در دست داشت و جلوی چشمانم دست و سر مادرم را از بدنش جدا کرد. بعد پدرم را دار زدند. همه‌ی روستائیان پیر را در یک خانه جمع کردند و سپس آن خانه را آتش زدند. کتابخانه‌ی

من در یک روستای بسیار آرام به دنیا آمدم، جایی که مردم در کنار هم زندگی بسیار خوبی داشتند.

معمولاً عصرها همه با اعضای خانواده و همسایه‌ها دور آتش می‌نشستیم، در حالی که پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها برای مان داستان می‌گفتند و فرهنگ‌مان را به ما آموزش می‌دادند. فعالیت اصلی همه‌ی اهالی روستای ما زراعت، نگهداری از حیوانات و تولید نوشیدنی‌های محلی بود، اما کار اصلی خانواده من فقط زراعت بود.

مادرم که مارگارت نام داشت همیشه به من می‌گفت: «پسرم، هرگز با دیگران به‌خاطر نژاد،

روستا را هم به آتش کشیدند تا تاریخ آن را از بین ببرند.

پس از آن قتل عام، تنها پنج نفر از کل روستا باقی مانده بودند. در میان آنها من و خواهر کوچکم بودیم، اما آن شورشیان ما را مجبور کردند تا با آنها برویم. وقتی به اعماق جنگل رسیدیم، دو نفر از اهالی دهکده مان از ادامه دادن راه خودداری کردند، زیرا راهی طولانی و سخت بود. شورشیان بدون لحظه‌ای تردید با قمه آن دو را کشتند و فقط ما سه نفر باقی ماندیم.

روز بعد همچنان با آنها در مسیری در آن جنگل به راه رفتن ادامه دادیم. آنها شروع کردند به آموزش دادن ما در مورد نحوه‌ی استفاده از تفنگ، چگونگی کشتن با قمه و قوانین زندگی در آن گروه. ما آن گونه زندگی را اصلاً دوست نداشتیم و هیچ کس نمی‌تواند تصور کند که در آن مدت چقدر رنج کشیدیم. همسفر باقی مانده‌ی ما توسط یک مار خطرناک گزیده شد و شورشیان به من اجازه ندادند او را درمان کنم، بلکه بدون هرگونه ترحمی او را تنها گذاشتند و ترکش کردند. به این ترتیب فقط من و خواهرم باقی ماندیم.

یک شب فرصتی برای فرار پیدا کردیم و همین کار را هم انجام دادیم. متأسفانه شورشیان متوجه فرار ما شدند و ما را تعقیب کردند. وقتی در پی ما بودند، در غاری پنهان شدیم و سپس به سمت دیگری فرار کردیم. به رودخانه‌ای رسیدیم، و پیرزنی را دیدیم که داشت آب برمی‌داشت. ما به سمت او دویدیم و از او کمک خواستیم، زیرا هنوز صدای آن شورشیان را از دور می‌شنیدیم. خوشبختانه پیرزن ما را پنهان کرد و از دست شورشیان خلاص شدیم. از آن به بعد با آن مادر بزرگ مهربان و خوش‌قلب زندگی کردیم. او نه تنها فقیر نبود، بلکه در واقع طلاهای زیادی هم داشت. پس از گذشت پنج سال، بخاطر مرگ او عزادار شدیم.

یک بار در آن جنگل با چند نفر خارجی روبرو شدم.

طلاهای پیرزن را به آن‌ها نشان دادم، چون آن مادر بزرگ مهربان قبلاً همیشه برای من تعریف می‌کرد که وقتی جوان بود، یک بار خارجی‌ها به روستایش آمده بودند و به شش نفر کمک کرده بودند. خارجی‌ها آن طلاها را از ما پذیرفتند و پیشنهاد کردند من و خواهرم را به پایتخت ببرند تا بتوانیم در آنجا درس بخوانیم. ما بدون معطلی این پیشنهاد را پذیرفتیم و به این ترتیب من شروع به تحصیل در رشته‌ی معماری کردم.

خوشبختانه دو نویسنده‌ی داستان فوق، تجربه شخصی خود را شرح ندادند. اما متأسفانه این وضعیتی است که هنوز در کشور آنها بسیار رایج است.

درباره‌ی نویسندگان این مقاله:

مارسلین لوهکا یک اسپراتیست پرشور از جمهوری دموکراتیک کنگو است. او یادگیری اسپرانتو را در سال ۲۰۱۸ آغاز کرد. او دوست دارد مطالعه کند، در مورد چیزهای زیادی اطلاعات کسب کند و خودش فیلم بسازد. او عاشق طبیعت است.

اتین لوهکا در جمهوری دموکراتیک کنگو زندگی می‌کند. او یادگیری اسپرانتو را در اواسط سال ۲۰۱۹ آغاز کرد. او دوست دارد در فیلم‌های کوتاه بازی کند و با فرهنگ‌های دیگر آشنا شود.

منبع:

<https://uea.facila.org/artikoloj/literaturo/en-mia-vila%C4%9Dor384/>



وتاری دکتور زامینہوؤف له

یه کهم کونگره ی ئیسپیرانتوؤ

هه‌وای ژووری میوانه‌که‌ماندا ده‌فرن، ده‌نگیکی زور نهرم که نایبستریت به‌لام هه‌موو رۆحیکی هه‌ستیار هه‌ستی پیده‌کات. ئه‌وانه ده‌نگی شتیکی گه‌ورهن که ئیستا له‌دایک ده‌بیئت. تارماییه نه‌هینییه‌کان به‌هه‌وادا ده‌فرن؛ چاوه‌کان نایانینن به‌لام رۆح هه‌ستیان پیده‌کات: ئه‌وانه وینه‌کانی سهرده‌می داها‌توون، سهرده‌میکی ته‌واو نوئ. تارماییه‌کان به‌جیهاندا ده‌فرن، ده‌بن به‌جه‌سته و به‌هیز ده‌بن و مندال و نه‌وه‌کانمان ده‌یانینن، هه‌ستی پیده‌که‌ن و چیژی لی وهرده‌گرن.

له‌کۆنترین سهرده‌مه‌کانه‌وه‌وا ده‌میکه‌یه له‌یاده‌وه‌ری مرۆقاییه‌تی سراوه‌ته‌وه‌ و هیچ میژوویه‌ک ته‌نانه‌ت بچوو‌کترین به‌لگه‌ی بۆمان نه‌پاراستوه‌، بنه‌ماله‌ی مرۆف جیابوو‌ته‌وه‌ و ئه‌ندامه‌کانی وازیان له‌تیگه‌یشتن له‌یه‌کتر هیناوه‌. ئه‌و برایانه‌ی که هه‌موویان به‌پیی یه‌ک مۆدیل درووست کرابوون، ئه‌و برایانه‌ی وا هه‌موو یه‌ک جه‌سته‌یان هه‌بوو، خاوه‌نی یه‌ک رۆح بوون، یه‌ک توانایان هه‌بوو، هه‌مان ئایدیالیان هه‌بوو، هه‌مان خودا له‌دلیاندا بوو. ئه‌و برایانه‌ی که ده‌بوو یارمه‌تی یه‌کتر بدن و پیکه‌وه کار بکه‌ن بۆ به‌خته‌وه‌ری و شکۆمه‌ندی بنه‌ماله‌که‌یان – ئه‌و برایانه‌ ته‌واو بوونه نامۆ بۆ یه‌کتر، پیده‌چیت بۆ هه‌میشه له‌گرووپه‌ دوژمنه‌کاندا له‌یه‌کتر جیابوو‌نه‌وه‌ و شه‌ریکی هه‌تا‌هه‌تایی له‌نیواناندا ده‌ستی پیکرد. بۆ ماوه‌ی چه‌ندین هه‌زار سال، له‌هه‌موو ئه‌و ماوه‌ی که میژووی مرۆقاییه‌تی له‌بیریدایه، ئه‌م برایانه ته‌نیا هه‌ر شه‌ری یه‌کتریان کردوه هه‌ر جۆره

به‌پریزان سلاوتان لی بیئت، هاوبیران، خوشک و برایانی ئازیزی بنه‌ماله‌ی گه‌وره‌ی مرۆف وا له‌ولاتی دور و نزیک و شوینه زور جیاوازه‌کانی جیهانه‌وه‌کۆ بوونه‌ته‌وه‌ بۆ ئه‌وه‌ی به‌ناوی بیروکه‌یه‌کی مه‌زن که هه‌موومان پیکه‌وه ده‌به‌ستیته‌وه‌ برایانه ده‌ست له‌ناو ده‌ستی یه‌کتر بنینن. هه‌روه‌ها سلاوت لی بی وولاتی شکۆمه‌ندی فه‌ره‌نسه و شاری جوان بۆلۆن سوور مار که به‌میهره‌بانیه‌وه‌ میوانداری کۆنگره‌که‌مانت کردوه. هه‌روه‌ها له‌دله‌وه‌ سپاسی ئه‌و کهس و دامه‌زراوانه‌ی پاریس ده‌که‌م که له‌کاتی تیپه‌رینم به‌م شاره‌ شکۆداره‌دا له‌ژیر وتاره‌که‌مدا هۆگریه‌تی خویان بۆ ئیسپیرانتوؤ ده‌ربریوه، به‌پریزان وه‌زیری په‌روه‌رده‌ی گشتی، ئه‌نجومه‌نی شاره‌وانی پاریس، کۆمه‌له‌ی فیرکاری فه‌ره‌نسه و چه‌ندین که‌سایه‌تی زانستی جیاوان.

ئهمرۆ رۆژیکی پیروژه بۆ ئیمه‌. کۆبوونه‌وه‌که‌مان بیگه‌رده، جیهانی ده‌روه‌ه زور له‌باره‌یه‌وه‌ نازانیت و ئه‌و وشانه‌ی که له‌کۆبوونه‌وه‌که‌ماندا ده‌گوترین به‌ته‌له‌گراف نافرن بۆ هه‌موو شار و شارۆچکه‌کانی جیهان. نه‌سه‌رۆکیکی ده‌وله‌ت و نه‌ وه‌زیریکی بۆ گۆرینی نه‌خشه‌ی سیاسی جیهان کۆبوونه‌ته‌وه، نه‌جل و به‌رگیکی لۆکس و کۆمه‌لیک دیکۆراتی سه‌رنجراکیش له‌ژووری میوانه‌که‌ماندا ده‌ره‌وشیته‌وه‌ و نه‌ده‌نگی ته‌قه‌یه‌ک له‌ده‌ورووبه‌ری ئه‌و سالۆنه‌ بچوو‌که‌دا که ئیمه‌ی تیداین دیته‌ گۆئ؛ به‌لام ده‌نگه نه‌هینییه‌کان به‌

لیک تیگه یشتنیکی نیوانیان مه حال بووه. پیغه مبر و شاعیره کان خهونیان به هندیک کات و سهردهمی تهماوی زور دوروهه دهبینی که تئیدا مروقهکان جاریکی دیکه دهسدهکه نهوه به تیگه یشتن له یه کتر و جاریکی دیکه له یهک بنه ماله دا یه کده گرنه وه؛ به لام ئەمه ته نیا خهونیک بوو. وهک هندیک فانتازیای شیرین باسی دهکرا، به لام کهس به جیدی وه رینه گرت، کهس باوه ری پئی نه بوو و ئیستا بۆ یه که مجار خهونی ههزاران ساله دهستی پیکردوه به به دیهاتن. له شاروچکه که ناره کهی فرهنسا مروقهکانی جیاوازترین ولات و نه ته وهکان کۆ بوونه ته وه و یه کتریان بینی نهک ئەوهی بیدهنگ بن و نه بیستن به لام ئەوان له یه کتر تیدهگن و وهک برا و ئەندامانی یهک نه ته وه له گه ل یه کتر ده دوین. زور جار خه لکی نه ته وه جیاوازهکان له یه کتر تیدهگن. به لام چ جیاوازییه کی گه وره هه یه له نیوان لیکتیگه یشتنی ئەوان و لیکتیگه یشتنی ئیمه! له وی ته نیا به شیکی زور کهم له وانهی کۆبوونه ته وه و له یه کتر تیدهگن، دهرفتهی ئەوهیان بۆ رهخساوه کات و پاره یه کی زور ته رخان بکه ن بۆ فیروبونی زمانی بیانی، هه موو ئەوانی دیکه به جهسته کۆبوونه ته وه نهک به میشک؛ به لام له کۆبوونه وه که ماندا هه موو به شداربووان له یه کتر تیدهگن، ئەوهی بیهه ویته به سادهیی لیمان تیدهگات، نه هه ژاری و نه که می کات گوئی کهس له وته کانمان داناخات. له ویدا لیکتیگه یشتن به ریگایه کی ناسروشتی و نازاردر و ناداپه روه رانه دا دیته دس. چونکه له ویدا ئەندامی نه ته وه یه ک له به ردهم ئەندامی نه ته وه یه کی تر دا به خویدا ده شکیته وه بۆ ئەوهی ده بیته به زمانی ئەو قسه بکات و هه ر بهم بۆنه یشه وه هه ست به شهرم دهکات به زمانی خوئی بدوئ و دهکه ویته پرته پرت و سوور هه لده گریته و له به رانبه ر به ردهنگه کهی هه ست به نازار و نارپه حه تی دهکات له کاتینکا که به ردهنگه کهی خوئی به به هیز داده نیت و هه ست به له خو بایی بوون دهکات. له کۆبوونه وه که ماندا، نه ته وهی به هیز و لاواز، بژارده و نه بژارده بوونی نییه، سووکایه تی به کهس نا کریت، کهس هه ست به نازار و نارپه حه تی ناکات، هه موومان له سه ر بناغه یه کی بیلا یه ن وه ستاوین، هه موومان مافی یه کسانمان هه یه، هه موومان خو مان به ئەندامانی

نه ته وه یه ک ده زانین بۆ یه کهم جار له میژووی مروقاییه تیدا، ئیمه ی ئەندامانی جیاوازترین گه لانی جیهان له ته نیشت یه کتر وه ستاوین، نه وهک نامۆ یان رکابه ر، به لکوو وهک برا که بچ ئەوهی زمانی خو یان به سه ر یه کتر دا سه پینن، لیکتیده گن. به هوی ئەو تاریکییه ی دابه شیانی کردوه، له یه کتر درپونگ نین، ئەوینداری یه کترن و ده ست دهخه نه ناو دهستی یه کتر نهک به دوورپووییه وه، وهک ئەندامی نه ته وه یه کی تر که ده ست دهخاته نیو دهستی ئەندامی نه ته وه یه کی تر. پیویسته باش ناگاداری گرینگی ئەم رۆژه بین، چونکه ئەمرۆ له نیو دیواره میواندارهکانی شاری بۆلونی، فره نسبییه کان له گه ل ئینگلیزییه کان یان رووسه کان له گه ل پۆله ندییه کان کۆ نه بوونه ته وه، به لکوو ئەمه مروقهکانن پیکه وه کۆبوونه ته وه. پیروژه ئەم رۆژه و شکۆمه ند بیته دهر ئەنجامه کانی.

ئەمرۆ کۆبووینه ته وه بۆ ئەوهی به یارمه تی هه ندیک راستی حاشاهه لنه گر، شتیکی پيشانی جیهان بدهین که تاکوو ئیسته نه یویستوه باوه ری پیکات. ئیمه نیشانی جیهانی ددهین که لیکتیگه یشتنی دوولایه نه له نیوان خه لکی نه ته وه جیاوازهکانی جیهاندا زور به باشی ده ست دهکه ویته و بۆ ئەم مه به سه تیش هیچ پیویست ناکات سووکایه تی بکریت به نه ته وه یه کی دیکه یان نه ته وه یه ک، نه ته وه یه کی دیکه هه لمه قووت بکات، یان ئەوهی که ئەم دیوارانه ی نیوان نه ته وه کان هیچ پیویست و هه تاهه تایی نین و لیکتیگه یشتنی دوولایه نه له نیوان خه لکیکی هاوچۆر خه ونیکی خه یالای نییه و دیته دی. ئاساییه به بۆنه ی بارودۆخی داخاوی و شه رماوی ته نیا بۆ ماوه یه کی زور دریز دواکه وتوو به لام زوو بیته یان درهنگ ده بوا یه بگات و ئیستایش گه یشتوو. ئیستا هیشتا به ترسه وه هه نگاو هه لده گریته به لام هه ر که که وته ری چیتر وه ستانی بۆ نییه، به خیرایی ئەوهنده به هیز ده سه لات ده گریته دس که ته نانه ت نه وه کانمان بر وایان وا بیته که پیشتر به شیوازیکی دیکه بووه. ئەوهی که ده سه لاتدارهکانی جیهان، بۆ ماوه یه کی دریزخایه ن لیکتینه ده گه یشتن، ئەوهی وا ده لیت داهیتانی زمانیکی ده سترکد و بیلا یه ن مه حاله، بیته بۆ لای ئیمه، بر ومان پی دهکات، ئەوهی ده لیت ئەندامه دهنگییهکانی خه لکی جیهان جیاوازن و هه موو

زمانی دهستکرد به شیوازی جیاواز بیژه دهکن و ئەوانەى ئەم زمانە بەکار دەهێنن ناتوانن لیکتیگەن، بێن بۆ لای ئیمە و ئەگەر مروفیک برۆپیکراوه و نایهوی بە ئەنقەست درۆ بکات، دانى پیندا دەنیت که هەلە بوە. ئەو دەبیت له رۆژانى داها توودا به شهقامهکانى بۆلۆنى سوور مار پياسه بکات. دەبیت به چاوى خۆى ببینیت که چۆن نوینەرانى نەتەووە جیاوازهکان به باشى لهیهکتر تیدەگەن، لهو ئیسپیرانتیستانەى وا تووشى دەبیت پرسىار بکات که چهندى خایەند فیرى ئەم زمانە ببن و بهراوردى بکن لهگەل تیچووى فیربوونى زمانە سرووشتییهکان چ له رووى پارەووە چ کات و ئەگەر مروفیکى راستگۆیه له هەموو جیهاندا به دەنگى بەرز دووپاتى بکاتەو: «بەلێ، زمانى دەستکرد به تەواوتى مسۆگەرە و لیکتیگەیشن له ریگەى زمانى دەستکرد و بیلايه نه وه جگه له وهى که ریی تیدەچیت بەلکوو ئیجگار ئاسانیسه.» راسته هیشتا هەندیکمان به باشى فیرى زمانەکهمان نەبووین و لهجیاتى ئەوێ به رهوانى پنی بدوین به پرتهپرته وه قسهى پیندهکەین. بەلام به بهراوردى ئەم پرتهپرته لهگەل رهوانیژی کهسانى دیکه، هەر بینەریکی تیگەیشنوو زۆر به ئاسانى تیدەگات ئەم پرتهپرته به هوی خودى زمانەکه وه نییه بەلکوو تەنیا له بهر رانههاتنه به زمانه که. پاش هەزاران سال که رولالییهى دوولایه نه و شهر و پیکدادان له بۆلۆنى سوورمار به راستى لیکتیگەیشن و برایهتى دوولایه نهى نەتەووە جۆربه جۆرهکانى مروفایهتى به پێوهریکی گەرە دەستپیندهکات؛ و ئەو کاتهى که دەستیپیکرد چیت راناوہستیت، بەلکوو هەر بهیزتر دەچیتە پێشه وه تاکوو دواسییه رهکانى ئەم تاریکیه هەتاه تاییه بۆ هەمیشه ون بیت. رۆژانى ئیستا له بۆلۆنى سوورمار هەرە گرینگه و پیروزه ئەم رۆژانه! لەم یهکەم کۆنگرهى ئیسپیرانتۆزانەکان پێویسته چەن وشەیهک سەبارەت بهو تیکۆشه رانهى که تا ئیستا له بزوتنه وه کهماندا بوون، بدوین. بەلام پیش ئەوێ له بارهى ئەو تیکۆشه رانه که به تاییهت ئیسپیرانتۆزان بدویم، به ئەرکی خۆم دەزانم سەرەتا چەند وشە دەر بارهى مروفیک دەر بېرم که شایستهی زۆرى له بزوتنه وه کهماندا هیه. به داخه وه زۆر جار ئیسپیرانتۆزانەکان ناداوه رانه هەلسووکه وتى له گەلدا

دەکن، تەنیا بۆ ئەوێ گەرچی زۆر کارى باشى بۆ ئایدیای زمانى نۆنەتەوێ کردووه بەلام له بازنهى هۆگرانى شیوازی تاییهتى ئەو زمانهى که ئیمە خەباتى بۆ دەکەین نییه. سەبارەت به بەرپز مارتین شله بیڕ داھینەرى زمانى فۆلپووک دەدویم، ئەو شیوازه زمانیهى که ئەم بەرپزه به سالچووہ کارى بۆ دەکرد، کردەوہى نەبوو؛ ئەو ریگەى هەلبیژاردووه، دیاره باش نییه؛ ئەو بیروکهیهى خەباتى بۆ کردووه هەر زوو رووخا و لهگەل رووخانى، زیانیکی گەرە بوو بۆ ئایدیاکهمان به گشتى و به تاییهت بۆ ئەو شیوازه تاییهتى بیروکه کهمان که خەباتى بۆ دەکەین. بەلام نابیت له دادگەرى لادەین. دەبیت هەموو کهسیک له رووى ئەو خزمەتەى کردوویهتى هەلسەنگینن نەک له رووى سەرکه وتن یان سەر نه که وتنیه وه. کار و شایسته ییهکانى بەرپز شله بیڕ زۆر ئاست بەرز بوو، ئەو به دريژایى سالانیک به تامەزرۆییه وه هەلوى داوه بۆ بیروکهى زمانیکى نۆنەتەوێ؛ له کاتیکدا زۆر کهسى تر تەنیا گەل لالهى تیوریان پیشکش کرد، بەلام ئەو یهکەم کهس بوو تا قەتى ئەوێ بوو زمانیکى تەواو له سەرەتاوه تاکوو کۆتایى دروست بکات (هەرچەند ئیسپیرانتۆ لهو کاتهدا ئاماده بوو، بەلام هیشتا بلأو نەکرابووه)، ئەگەر ئەم زمانه به کردەوه سەرکه وتوو نەبوو، خەتای ئەو نییه. له هەموو جیهاندا ئەو یهکەم کهسه که به هەلویکی ماندوونه ناسانه، حەزى بۆ بیروکهى زمانیکى بیلايهن دروست کرد، ئەگەر هەولەکهى سەرکه وتوو نەبوو و بۆ ماوه یهکى دريژخایهن جیهانى له مەر هەر جۆره زمانیکى دەستکرد سڤ کرد، ئەمەيش خەتای ئەو نییه. نیازى ئەو کاریکی باش و مەزن بوو، بۆ هینانه گۆرى به جۆش و خرۆشیکى زۆره وه کارى کرد و ئیمە دەبیت به پنی ئیراده و کاره کهى هەلسەنگینن نەک سەرکه وتنه کهى. بێتوو کاتیک بیروکهى زمانى جیهانى له جیهاندا سەرکه وتوو بیت – هیچ جیاوازییه کی نییه چ به ناوى ئیسپیرانتۆ بیت چ زمانیکى دیکه وه – ناوى شله بیڕ بۆ هەمیشه پرشانانزیرین ناو له میژوودا دەبیت و جیهان هەرگیز ئەم ناوه له بیر ناکات.

هيوادارم لەم کۆنگره یه دا بۆچوونى هەموو ئیسپیرانتۆزانەکان دەر بېرم. کاتیک دەلیم: «

سیاسی دلسۆزانه مان بۆ بهرپرز شلهبیر، یه کهم و وزه به خشتترین پیشهنگی بیروکهی زمانی بیلیه و نیونه تهوهیی، دهرده برین. «ئیستا تیشک دهخمه سهر ئه و تیکۆشه رانهی وا به تایبته ئیسپیرانتۆزانن. هیشتا کاتی ئه وه نه هاتوو میژووی فرمی بزووتنه وه که مان بنووسریت و دهرسم له کاتی بهراوردکردنی شایسته بیه کانی تیکۆشه ره جیاوازه کاند، نادادپهروه ری بهرامبه ره که سیک بکه م. که وایه به تاک باسیان ناکه م به لکوو له دلّه وه سپاس و پیزانیی خۆم بۆ ههول و ماندوو بوونی بهرده و امیان، بۆ هه موویان تیکرا، به ناوی هه موو هۆگرانی ئیسپیرانتۆ، دهرده بریم. هه ژده سال به سهر دهرکه و تنی ئیسپیرانتۆ له جیهاندا تپه پیه. ئه م هه ژده ساله ئاسان نه بووه. ئیستا له بهرده ممد، بی ئه ژمار لایه نگرانی دلسۆزی ئیسپیرانتۆ ده بینم که تا رادهیه ک نوینه رایه تی هه موو ولاتانی ئه م زه و بیه ده که ن، نوینه ری هه موو گه لانی جیهان، له هه موو پله و چینیک.

ئیستا وێژه مان، وێژه یه کی مه زنه. رێژه ی گوڤاره کانمان زۆره، له هه موو جیهاندا گروپ و ریکخراوه ی ئیسپیرانتۆمان زۆره و ناوی بزووتنه وه که مان بۆ هیچ پوونا کبیریک له جیهاندا نامۆ نییه. ئیستا که به وروژه وه سهیری داها توی روونی بزووتنه وه که مان ده که م، ئه و پیشه نگانه ی دپته بیرم که له پیناوی ئامانجه که ماندا، له سه رده میکی خه مباردا هه ولی زۆریان داوه. له و سه ره به نده دا که هیشتا له هه موو شوینیک رووبه رووی گالته ده بوینه وه یان به دوامان ده که و تن. زۆره یان له ژیاندا ماون و به خو شیبیه وه ده روانته به ره می هه ول و کو ششه که یان. به لام به داخ و که سه ری زۆره وه هه ندیکیان زیندوو نه مان. هه ژده سال ماوه یه کی زۆره. له م ماوه دا مه رگ زۆریک له هاوړی به جۆش و خرۆشه کانمانی بردوو ته وه. نا کریت لیره ناوی هه موویان بینین که وایه ته نیا ئاماژه به ناوی چه ند که سیان ده که م: لیو پۆلد ئانشتاین، یه که م که س که به وزه یه کی زۆره وه کاری بۆ ناساندنی بزووتنه وه که مان کرد، یه که م که سیش بوو به جیمانی هیشت، کوچی دوا یی ئه و خه ساریکی گه و ره بوو بۆ بزووتنه وه که مان به گشتی و به تایبته بۆ گه شه ی ئیسپیرانتۆ له ئالمان. پاشان، یۆز سیف واسنیفسکی

حه واری دلۆقان و خو شه ویستی بزووتنه وه که مان له پوله ندا، و پاش چه ند سال که سیک کوچی دوا ی کرد که ئیسپیرانتۆ زۆر قه زرداریه تی، زۆر زۆر، له وانه یه بی بوونی ئه و ئه م بزووتنه وه ش سهری نه گرتبایه ت: سه باره ت به که سیک ده دویم که هیچکات له بیر نا کریت واته قی. ه ترۆمپه تر. ئه و هیچکات سه باره ت به خو ی نه ده دا، چاوه روانی هیچ پاداشتی که نه بوو و ئه و کاته ی له ناله بارترین بارودۆخدا بوو، قورسایه هه موو بزووتنه وه که مان له سه ر شانی بوو. ئه و به ته نیا و بۆ ماوه یه کی درێژخایه ن پالپشتی بزووتنه وه که مان ده کرد تا ئه و کات رێژه ی ئیسپیرانتۆزانه کان هه لکشیت و بتوانن هه موو پیکه وه به رگری له بزووتنه وه که مان بکه ن. گه ر ئیستا ببوایه و ئه مرۆی بینبایه ت، چه ن دلخۆش ده بوو. جیا له م سی که سه، هیشتا زۆر که س، به داخ وه رێژه یه کی زۆر له و دلسۆزانه ی کاریان بۆ بزووتنه وه که مان کردوو چیتر له ژیاندا نه ماون و ناتوانن به ره می هه وله کانیان بینن. گه رچی له رووی جه سته وه مردوون به لام بۆ هه میشه له بیر و هزرماندا زیندوون. به ریزان، پیشنیار ده دم بۆ به رزپاگرته ی ناو و یادیان رابوه ستین. له م یه که م کو نگره ی ئیسپیرانتۆزانه کان، ریز و سلوا مان بۆ ره وانی پاک و پاراوی ئه و ئازیزانه دوویات ده که یه وه و ده ریده برین که له مه وه بده دا کو بوونه وه کانمان که ئامانجه که ی سازکردنی برایه تی راسته قینه یه له نیوان هه موو مرۆقایه تیدا، ده ست پیده کات. له م ساته پرشکو یه دا، دل م پره له شتیکی ره مزووی که وه سف نا کریت و چه زم له وه یه به نزایه ک دل م سوکنایی بده م. نزایه کی به هیز که به رزترینه و داوای یارمه تی و به ره که تی لی ده که م. به لام هه ر به و جۆره ی که ئیستا خۆم به ئه ندایه نه ته وه یه ک نازانم، به لکوو خۆم وه ک مرۆقیکی ساده ده بینم، هه روه ها هه ست به وه ده که م که پیه ونه دیم به ئایینیکی نه ته وه بی یان گرووپیکه وه نییه، به لکوو ته نیا مرۆقم. له م ساته دا له پیش چاوه کانم، ته نیا هیزی ئه خلاقه که هه موو مرۆقیک له دلی خویدا هه سته پیده کات.

سه رچاوه:

<http://espero.blogfa.com/post/40>

**Sub la sankta signo de l' espero
kolektiĝas pacaj batalantoj,
kaj rapide kreskas la afero
per laboro de la esperantoj.**

تحت علامة الرجاء المقدسة
المقاتلون السلميون يتجمعون
وهذه القضية تنمو بسرعة
بجهود الرجاء.

**Forte staras muroj de miljaroj
inter la popoloj dividitaj;
sed dissaltos la obstinaj baroj,
per la sankta amo disbatitaj.**

جدران آلاف السنين تقف بثبات
بين الشعب المنقسم؛
لكن الحواجز العنيدة ستتحطم،
تحطمت من الحب المقدس.

**Sur neŭtrala lingva fundamento,
komprenante unu la alian,
la popoloj faros en konsento
unu grandan rondon familian.**

وعلى أساس لغة محايدة،
فهم بعضهم البعض،
سوف يتفق الناس
دائرة عائلية واحدة عظيمة.

**Nia diligenta kolegaro
en laboro paca ne laciĝos,
ĝis la bela sonĝo de l' homaro
por eterna ben' efektiviĝos.**

لدينا مجموعة الدؤوب من الزملاء
في العمل السلمي لن يتعب أبداً،
حتى الحلم الجميل للإنسانية
لأن البركة الأبدية تتحقق.

تمت الترجمة بواسطة ترجمة جوجل

مرجع:

[https://en.wikipedia.org/wiki/La_Espero#:~:text=%22La%20Espero%22%20\(English%3A,initiator%20of%20the%20Esperanto%20language](https://en.wikipedia.org/wiki/La_Espero#:~:text=%22La%20Espero%22%20(English%3A,initiator%20of%20the%20Esperanto%20language)





Universala Esperanto-Asocio

روز اسپرانتو

۲۶ جولای ۲۰۲۴

احترام و حقوق برای همه زبان‌ها

